

حَقِّقُوا لَكُمْ

فِي

الْأَدْعِيَّةِ وَالْأَنْحَارِ

تَهْبِطُ تَطِيمٌ

أَقْلُ الْعِبَادِ شَيْخُ عَيْبِ بْنِ مُوسَى الرِّضَا

أَشَارَى رُوَيْدِي فِي الْخَفَى

تحفة الأسرار  
في  
الأدعية والأوقار

٢

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَأَصْحَابِهِ الْمُنَجِّبِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ  
أَجْمَعِينَ وَقَالَ عَزْرَمِنْ قَائِلٍ وَمَنْ يَتَّصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطِ  
الْمُسْتَقِيمِ أَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ فَدْرَةٌ كَبِيرَةٌ وَفَضْلُهُ كَثِيرٌ وَيَكُونُ فِي شَرَفِهِ  
وَشَرَفِ أَهْلِهِ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى قَالَ يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا  
مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَقَالَ سُبْحَانَهُ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ  
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ فِي مَدْحِ  
الْعِلْمِ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ  
الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ رَر مَعْنَى مَعْرِفَتِ الْعِلْمِ

العلم

در بیان مقدمه کتاب و فضیلت علم ۳

العلم فيه جلاله ومهابته :: والعلم انفع من كنوز الجواهر  
تفنى الكنوز على الزمان وصرفه :: والعلم يبقى باقيات الاعصر  
مهيضاً

در اطراف عالم بکشم بیی :: بشر بودم ایام باهر کسی  
تمتع بهر گوشه یافتم :: زهر گوشه خوشه یافتم

ایضاً  
الهی سینه ده آتش افروز :: در آن سینه دلی و آن دل بهروز  
هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست :: دل افروزه غیر از آب و گل نیست  
اما بعد چنین گوید این بنده عاصی شیخ حبیب بن موسی الرضا  
افشاری ارومیه مخفی مولداً بعد از مدت چند سال که از عمر  
گذشته بود هفتاد و هفت سال چون ضعف پیری و ناتوانی  
بجهت اصرار بعضی از دوستان باینکه خواهش کردند که ما  
بقی کتابها خطی نوشته بودم آنها را بچاپ برسانم باینکه از این  
علوم مستفید بشوند لذا بنا بر التماس دوستان بنا گذاشتم  
که با تمام برسانم این کتاب را که نامیدم انوار بحفۃ الاسرار از  
علوم غریبه که نسخهای صحیح است تهیه کردم که باعث اطمینان  
خاطر جمیع عیبان باشد و ما را از دغای خیر ما را فراموش نفرمائید  
بوم لا ینفع مال ولا بنون این بیت مناسب دیدم

در بیان اختیارات و خواص بروج

هرگز دل من ز علم محروم نشد : کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد  
 هفتاد و هفت سال ز عمر حاصل کردم معلوم شد که هیچ معلوم نشد  
 چنانکه خداوند عالم نفس پاک انسانی را از اوج عوالم علوی مجبوض  
 خطه خاک و سوی عالم سفلی سیر داده و سائل و اسباب چند در  
 افاق و انفس بکار برده مکنات انسان از جاه طبیعت ظلماتی و  
 مقام ثم زرد ناه اسفل ساقین باز عالم احسن تقویم سیر کند  
 و مصداق و لقد کرّمنا بنی آدم باشد و این سیر و حرکت را برای همه  
 کس مقدور و میسر فرموده کُلُّ بَشَرٍ لِّمَآ خُلِقَ لَهُ تَمَرٌّ اِنِّیْ اَعْلَمُ  
 مَا لَا تَعْلَمُوْنَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ فائده در اختیارات و خواص  
 کلی و اقوال که بطریق ارشادات گفته شد و عاقل را اشاره گافیت  
 لیکن برای شرح و بسط خاصیت اختیاراتها که بیشتر بکار دارند بار  
 کنیم تا هدایت شود بعون الله تعالی و از جمله اختیاراتی که بیشتر بکار  
 دارند اول اختیار سفر است خاصیت امر اختیار است که طالع  
 که دلیل سافراست و نعم که دلیل سفر است و هفتم که دلیل مقصد  
 هشتم که دلیل قوام مقصد است و خداوند هر چهاره و هر که  
 کوکب سعادت همه سعور باشند و سیر از مجوشه بی خاصه از  
 عنایوت مرئج که دلیل فطری طریقت و بهتر است که مرئج در  
 فرج بن و قوی حال حاضر کمتر کند و طالع موضع قمر باید که برج

در  
اختیارات  
و خواص

اول

نظر

## در بیان معرفت اختیار بروج

۵

منقلب بود تا سفر دراز شود و برعکس و بروج خاکلی باشد در سفر  
 خشکی و بروج آبی در سفر دریا و بروج زحل در سفر دریا بیشتر است  
 باید که در صریح باشد و قوی حال و آغاز سفر وقت حرکت از مکن  
 است دویم اختیار در آمدن شهر و مکاینت خاصیت  
 در آمدن است که چهارم که دلیل مکن است و خداوند وی  
 و دویم که دلیل معاشر در مکن است و خداوند وی هر دو  
 مسعود باشد و زحل که کوب مکن است در فرج باشد و قوی  
 حال و سهم سعادت در طالع باشد تا در عاشر و خداوند سوم  
 زیر زمین باشد و عمر اگر زیر زمین نباشد منصف باشد مگر  
 کسی که زر باشد و طالع و موضع قمر باید که برج ثابت باشد و  
 خاکلی اگر در آمدن ثبات است و الاقل سیم تعلیم و تعلم است  
 خاصیت وی است و طالع و موضع قمر نباید و برج آتشی باشد  
 و بهتر است که جوزا و سنبله بود که خانه شرف عطار راست و  
 اعطار دراز برج آتشی بود ناظر بطالع و قمر در غایت قوت و  
 سعادت و بهتر آنکه در طالع باشد که فرج و بیت بهودت قمر  
 و نهم صاحب دی مشتری که دلیل علم اندام مسعود باشند و  
 اگر تعلیم سلاح و سواری بود قوت مریخ و مودب او بیاید و دیگر  
 برین قیاس و جاره نیست از نظر زحل بهودت و قوت وی که  
 دلیل مکت در پنج کشیدن بعلم است چهارم عقد و نکاح

چهارم

## در بیان طالع بروج

ع

است خاصیت او قوت زهره است و سعادت هفتم و خداوند  
 که دلیل از جیت است و قوت شمس و طالع و خداوند وی که دلیل  
 مودت است و نظر مودت بقبول میان صاحب طالع و صاحب  
 سابع با نظر مشتری ایشان و زهره که دلیل سعادت و عقلت  
 و قهر است باید یاد در نور و الرزن کامل بود و جدیدین بهتر  
 و در مشتری برانند که برج ثابت مکروه است خاصه و او و برج  
 منقلب برنگره است مگر میزان که محمود است و گویند که موضع  
 و طالع تزویج باید کرد که در ثورین و همه آخر جوزاست و نامت  
 میزان و درجه اول عقرب و درجه آخر جدی و درجه آمد نیکوست  
 لیکن اخراجات لایق در که خنابی واقع شود و سنبله کالیم را  
 نیکست و دو شیره را بد و قوس عروسی را نیکست و قوت مرد دلیل  
 و لری زن است و باقی همه بر است و دیدن از زن و شوی که او را  
 زفاف گویند خاصیت وی سعادت زهره است با مودت مرغ  
 و موضع قمر را طالع مابد که ثورین باشد با جوزا یا سنبله و میزان  
 بدست پنجم خریدن و فروختن جرهاست خاصیت خریدن  
 است که قمر بعدی متصل باشد و خاصیت فروختن است  
 که قمر از سعدی منصرف باشد و اگر آنچه میخرد ببرد باشد  
 موضع قمر و طالع برج اتشی و ششم و خداوند وی مسعود  
 متصل و صاحب طالع و زحل و مجال ناظر بطالع بنظر مودت

والله

## در بیان خواص برج

و اگر اول ثورین قمر در ثور باشد باید و طالع دو جسدین باشد  
 هشتم جامه نوبیدن و پوشیدن خاصیت وی آنست که قمر  
 در سرطان باشد تا میزان و بموت زهره و زهره قوجال و طالع  
 به سعود باشد و مذموم است که قمر در برج ثابت باشد و مخوس هفتم  
 جاضه در اسد با اتصال هفتم نفال نشانند خاصیت وی  
 ان بود که قمر در برج ثابت باشد بطالع با دو جسدین و صاحب  
 طالع مشتری و رابع سعور و قابل تدبیر قمر سعوی در برج  
 هوایی هشتم در بنا نهادن خاصیت وی آنست که قمر در برج مشتری  
 ثابت خاکی باشد متصل بکوکب که در شرف مشتری باشد  
 و در برج هوایی و در عاشر با در یازدهم و عرض قمر شمالی و  
 صاعد در اید و همچنان عرض این کوکب در محل قوی حال  
 ناظر بموت طالع و رابع و خداوندی سعور و قوجال و  
 در بنای حصنها باید که ثابت که مزاج زحل و مشتری دارد در  
 اصل در چه عاشر باشد با در چه طالع با در چه سهم السعاده یعنی  
 از برجهای بنا دلو است و میزان برای نلشدن نیست لیکن  
 منقلب و بدانکه چون بنای خانه نمی چنان کن که خداوند چهارم  
 زحل افتد اگر صاعد باشد در فلک زوج و مستغلی در هیات  
 طالع و بسیار عرض در شمال و ناظر بافتاب مشتری خانه بلند

# در بیان خواص بروج

و بزرگ و با شکوه آید و اگر در برجی دران طالع باشد هم بلند  
 آید و اگر در کوتاه مطالع باشد هم بلند آید و ناظر چهارم نیک  
 روشن آید و اگر هر دو زیر زمین باشند با یکی از همین منکسف  
 بود و با درجه مظلمه باشد تارک و دلگیر باشد و اگر زحل در  
 چهارم بود او را از اینجا حظی نبود و در در خراب شود و اگر مشتری  
 باشد او را حظ بسیار باشد و در بر مال آن مانند و اگر چهارم در جبهه  
 خانه دو منزل سوزد و بایش و اگر زهره و قمر اینجا باشد در خانه  
 آب روان حاصل آید و اگر مستهم السعاده در چهارم باشد بسیار نیک  
 و همچون باشد دیگر برین قیاس کن نهم سهل خوردن غایت  
 وی آنست که موضع قمر برج آبی باشد و عرضش صوفی هابطه  
 و او بر زیر زمین متصل بکوکبی که زیر زمین در چهارم باشد حاکم  
 که آن کوکب زهره بود و اگر مودت نریخ باشد ستارگان کار کند و اگر  
 اهرای مشتری باشد اندک کار کند و نظر زحل بدامت خاصه  
 بعد اوت دهم علاج چشم خاصیت وی است که قمر زاید النور  
 باشد و مودت شمس و سعدی و هم روی زمین باشد و مسلم  
 از نحوس و درجه طالع برین باک از کوکب سجانی و برین بغایت  
 قوی بجالی باشد والله اعلم  
 فضل در بیان بعضی از فوائد و نجایب بسم الله الرحمن الرحیم

نهم

دهم

الطهاره



## در بیان جعل فایده مجربه

۹

الحمد لله رب العالمين وسلام على عباده الذين اصطفى وبعد حين  
 گوید خا طی ابو احمد محمد بن عبد البقی بن عبد الصانع النشأوری  
 الخراسانی افاضی الله تعالی علیه که این چند کلمه است در ورق دعوت  
 مجربه برای انتفاع برادران دینی و اخوان نفسی در تحریر کشیده  
 انرا به تحفه درویش نامید امید که در حیوات و موات بدعای خیر یابد  
 اوری نماید فانه تعالی قریب مجیب و در این چند رقبه و عوزه است  
 اول رقبه مسوع که مارکزیده باشد هر گاه خیر دهند خیر کنند اول  
 که فلانی را مارکزیده است امر میکنی مارکزیده را بخواند در دایمی  
 بر او بهوشانی و میخوانی سوره انقطار راسته مرتبه بر او که انشاء  
 الله تعالی مارکزیده شفا یابد دویم نیز برای مارکزیده است دریم  
 هر گاه کسی خیر آورد راهسته بکوش خیر آورده بگو منهن آمد واسفته  
 مار رفت و سبلی بصورت اوزند که انشاء الله تعالی مارکزیده  
 شفاء یابد سیم هر گاه کسی را مارکزیده باشد سوره حمد را سیم  
 و صلواتی بخواند و سبلی بطرف راست اوزند و دیگر حمد و صلواتی  
 خوانده سبلی بطرف چپ اوزند و دیگر حمد و صلواتی بر شیرینی خوانده  
 بخورد مارکزیده و هر در دیگر حمد و صلواتی بر کار در جوهر داری و  
 ان کار در بر منتهای درم بگرداند و دیگر حمد و صلواتی خوانده  
 و کار در جان کند و باز هم جان کند که انشاء الله تعالی مارکزیده

# در بیان فوائد مجربه

شفا یافتند که مجموع هفت حد و صلوات و بمصدق حدیث مشهور  
 صحت یابد بادن الله تعالی چهارم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الله و بالله و لا غالب یغلب الایمان در بنو و اصد و صد و هزارا  
 و بیاسنا و بجله ایزن العظیم اسکن تا بر فعل اسکن سمک فی  
 صدیک کما سکت الملائکه و بیت الله المقدمین کلیم من کلام الله  
 تحت الشجره الخضریه لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اول ابن  
 دغار ابره برقی خوانده بخورد مارگزیده و هند دیگر خوانده سبلی  
 بطرف راست زند بار دیگر خوانده سبلی بطرف چپ زند و دیگر  
 نبر کار و جواهر دار خوانده و منتهای ورم را محو نمایند و دیگر سه  
 مرتبه بخواند و هر مرتبه از منتهای ورم تا محل مارگزیده کار در  
 بکشد که انشاء الله تعالی مارگزیده شفا یابد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 مارگزیده بگوید كَفَاكَ رَبِّكَ كَمْ بَلَغْتِكَ وَ أَكْفَهُ كَفَا فَمَا كَلِّمَ  
كَانَ مِنْكَ لَكَ نَكَرَكَ كَلِمَةَ الْكُرَى كِيدَنْ كَلِمَةٍ تَحْلِي مُشْكَلَةَ لَكَ  
الْحَلِيكَ كَفِيكَ رَبِّكَ كَفَلْ كَانَ كَرِيْبَهُ يَا كُوْبَا كَانَ تَحْلِي كُوْبِي الْفَلْكَ  
 بدستور دعای ما قبل معمول دارند که انشاء الله مارگزیده خوب شود  
 ششم دقید لغوغ عقرب رزه هرگاه خرد دهند دیگری از حال او  
 هستند گوش بدرغ باغبان او بگوید أَمِنْ أَمَدَ بَعِيْنٍ بَرُو سَبِي  
 هفتم بروزند که انشاء الله تعالی شفا یابد هفتم هرگاه کسی را عقرب

چهارم

پنجم

ششم

هفتم

## در بیان حمل و آند مجریه

۱۱

لدغ نماید و خود خبر کند با مجری بک سبلی بدست راست بطرف  
 چپ بزند و بگوید یا کوکبا فلکاً و بک سبلی از دست چپ  
 بطرف راست اوزند و بگوید اخرج باذن الله هشتم هرگاه

هشتم

عقرب بدست زده باشد مهره زبل بغل را بگیرد و بنشارد و چهل  
 کافرا که عبارت از دعای باب پنجم باشد بخواند و دست گشاید  
 بجای که عقرب کزیده و وقتی بجای نیش بندارد و اگر بایش را  
 زده باشد مهره را بگیرد و بطریق مذکور عمل نماید انشاء الله شفا

نهم

یابد نهم رقیه پومن نمادن عقرب از سوراخ بخواند عزایم

که بدر بدر بدانم عزایم که هیچ علاج دهم رقیه جهت گرفتن دهم

عقرب سه دفعه بخواند بسم الله الرحمن الرحيم سلام علی نوح

فی العالمین بسم الله الرحمن الرحيم سلام علی موسی و هارون انا

کذالك مجزي الحسین انهما من عبارنا المؤمنین یازدهم رقیه

یازدهم

لدغ العقرب چاره دوری دوری بخارزکی کما بیشانی دوری

کما نگاهی دوری دوازدهم جهت مار کزیده دوری بها

دوازدهم

دوری دوری نیاشی دوری کما نگاهی دوری سیزدهم

سیزدهم

رقیه جهت دفع نیش عقرب زنبور باید سه دفعه بخواند اینم

یکیدون کیدا و اکیدا کیدا فیهل الکافرین امهلم چهاردهم

چهاردهم

رقیه جهت دفع نیش زنبور سوره حمد را بخواند و دست بجای

در بیان چهل فائده

نبش زنبور بکیرد و بفشارد و سه دفعه بگوید یا قان جافان  
 یا نزد هم رکعتین و هر دفعه اب دهن بجای نبش زنبور بیندازد یا نزد هم  
 بجهت ما کر نیده هفت نوبت مانند رقیه حد و چهل کاف که  
 مد رقیه پنجم ذکر شد بی کم و زیاد بخواند بسم الله الرحمن الرحيم  
 اللَّهُمَّ بَلِّغْ وَسَلِّمْ مِنِّي عَلَى رُوحِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَلْفَ تَحِيَّةٍ  
 وَآلْفَ سَلَامٍ عَلَى رُوحِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ أَخْرِجْ سَمِّكَ  
 بِإِذْنِ اللَّهِ أَخْرِجْ سَمِّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
 أَخْرِجْ سَمِّكَ بَعْلَى ابْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْرِجْ سَمِّكَ بِالسَّيِّدِ  
 شَرِيهِمِ أَحْمَدُ الْكَبِيرُ مَا نَزَدَهُمْ هَرَاكَاهُ كَسَى رَاذِرَهُ دَادَهُ بَأَشَدَّ بَرَشْرِيهِ  
 و در وقت همان دعای فوقه هفت نوبت بخواند و بچلفتی ریزد  
 هضم انشاء الله شفاء یابد هفدهم جهت شفاى زهر خورده بر شری  
 بخواند و بخورد او دهند اللَّهُمَّ بَلِّغْ أَوْصِلْ مِنِّي عَلَى رُوحِ مُحَمَّدٍ وَآلِ  
 مُحَمَّدٍ أَلْفَ تَحِيَّةٍ وَآلْفَ سَلَامٍ عَلَى رُوحِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
 اسكنُ سَمِّكَ فِي صَدْرِكَ كَأَسْكَنْتَ الْمَلَائِكَةَ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْقُدُّوسِ  
 كَلِمٌ مِنْ كَلَامِ اللَّهِ نَحْتُ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ بِالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ إِلَّا بِاللَّهِ  
 الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ هجدهم برای کباب وقت خواب بخواند ای قان  
 الاسود الوثاب الذي لا يبالي غلفاً ولا باباً عزمت عليك  
 بآية الكتاب ان لا زنبى واصحابى الى ان يذهب البيل ويوب

مجموعه

الصبح

# در بیان چهل فائده

۱۳

الصُّبْحُ بِبَابِ نَزْدِهِمْ اَفْسَوْنَ كَسَى كَهْ اَوْرَا سَكَ دِيَوَانَهُ كَرِيذَهُ نَزْدَهُمْ  
بَابُ نَبْوَيْدٍ وَنَجْوَرٍ اَوْدَعْدَ دَهْلًا دَهْلِيًّا دَهْلِيًّا مَبْطَرُونَ

بِسْمِ جَهْتِ زَهْرِ رَيْتِلِ مَانْتَدِ عَقْرِبِ كَرَنْدَه مِيَا شَد بَدُونِ زِيَادِ بَسْمِ  
وَكَمْ بَيْتِ وَيَكَمْ اَفْسَوْنَ زَبَانِ بِنْدِ مَارِو عَقْرِبِ وَرَيْتِلِ دَرِوْفِ بَيْتِ وَيَكَمْ

خَوَابِ مَجْوَانَدِ وَسَهْ سَنَكِ زَنْدِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ  
السَّمٰوٰتِ مِنْ كُلِّ عَقْرِبٍ وَرَيْتِلٍ وَحَيَّةٍ اِنَّهُمْ يَكِيدُوْنَ كَيْدًا وَاَكِيدُ كَيْدًا  
تَقْوِيْلِ الْكَافِرِيْنَ اَعْلَمُ بَيْتِ دَوْتِمِ جَهْتِ بَرَكْتِنِ مَمْلُوكِ كَهْ كَرْمِيْنَه بَيْتِ دَوْتِمِ

ابن طلسم را بنویسد و در زیر دست کار عمل خابیدن او گذارد و به برقع  
بر میکرد

بیت دسیوم ایضا جهت برکشتن فاین بیت سوم

بطریق سابق معمول دارند بیت و چهارم بیت و پنجم  
از برای اور آم  
دست برورم  
گذاشته مجواند

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

ب	بدوح	د
بدوح	نام کرخینه بدوح	
و	بدوح	ح

اَيُّ شَرِيْفٍ رَا لَوْ اَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلٰى جَبَلٍ لَّرَاَيْتَهُ خَائِشًا مُتَصَدِّعًا  
مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ اَلْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ هُوَ  
اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَاتِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ  
هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ  
الْمُهَيَّبُ الْعَزِیْزُ الْجَبَّارُ الْمُنِکِرُ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ



# در بیان جهل فائده

شر المحبت والانس لصاحب هذا التركيب فلان بن فلان يا حفيظ  
 يا حفيظ بيت هشتم عوزه مصروعت بوييد بر صورت <sup>بیت هشتم</sup> <sub>بیت معروف</sub>  
 در حالت صرع که دیگر صرع عود نکند انشاء الله تعالى صد صد  
 هلی وثک بیت هفتم ایضا بریشانی صاحب رعاف بخون <sup>بیت هشتم</sup> <sub>رعاف</sub>  
 رعاف بریشانی مرعوف نون مغلوب نوید که باذن الله  
 تعالی زایل شود <sup>بیت هشتم</sup> این حروف را بخون رعاف  
 بریشانی مرعوف نوید که انشاء الله تعالی خوب شود

ادم ودم م س ی ک ل م م دح دم ال دت اطل ل ع  
 ال دم ان وطع بیت نهم ایضا هرگاه خون از بینی آید <sup>بیت نهم</sup> <sub>رعاف</sub>  
 و بیج جز دفع نشود چون این کلمات را بریشانی او نوید فی

العور ساکن شود و هال ع هلع هلع نهم هرگاه کسی <sup>نهم</sup> <sub>خون از بینی آید</sub>  
 را خون از بینی آید و ساکن نشود از آن خون بریشانی نوید

که آن خون اگر بیجی ساکن نشوی کناه دو قاضی برگردنت آید فوراً  
 ساکن شود انشاء الله سی و یکم ایضا بجهت سد رعاف بران <sup>سی و یکم</sup> <sub>سد رعاف</sub>

خون بریشانی مرعوف نوید لعنت بر مادری که روز شب  
 ناخن فرزندش را بگیرد خون بایند باذن الله شفاء باید

سی و دوم اگر مورچه زباید کند بر در سوراخ مورچه نوید <sup>سی و دوم</sup> <sub>مورچه</sub>  
 که اینجا فرقا حق است البته فرار خواهند کرد باذن الله تعالی

# در بیان چهل فائده

سی و نهم سی و نهم هرگاه قدری طعام از به سفره قاضی برداشته  
 بود در سوراخ مورچه بریزند که اینرا بخوردند البته فرار میکند باذن  
 سی و دهم سی و چهارم هرگاه جامه زن حایض بر صاحب تب  
 ریح پوشند تب از آن مفارقت میکند باذن الله تعالی

سی و پنجم سی و پنجم جهت دفع بواسیر هفت مرتبه بخواند و بر آنکس  
 بنظر دست چپ رسیده استنجا نماید که انشاء الله تعالی  
 منقطع گردد و بواسیر دفع گردد سامری سار و سامون

سی و ششم سی و ششم عود و نع الرجال اگر کسی را بر ذنبی بسته  
 باشد بزید و با خود دارد بسم الله الرحمن الرحيم اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا  
 مُبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَتَمَّ بِعِنتِهِ عَلَيْكَ  
 وَيُعَدِّ بِكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ  
 وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ اَوْ جَاءَ فَتْحٌ مُبِينٌ  
 رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا اِنَّ خَلْقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ  
 اِذَا جَا لَتَكُونُ اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِي ذَلِكَ  
 لَآيَاتٍ لِّعَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ اِذْ خَلَوْا عَلَيهِمُ الْبَابَ فَاِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَانْكُمُ  
 فَاَلْبَسُوا فَعَمْنَا الْبَابَ السَّمَاءِ بِمَا مِنْهُمُ وَفَجَرْنَا الْاَرْضَ عَمِيْنَا  
 فَاَلْتَقَى الْمَاءُ عَلَى اَمْرِ قُدْرَةٍ قَالَ رَبِّ اشرح لي صدري و  
 قهر لي امري واخلل عقدة من لساني فيقضوا وولي ورتكنا

بفضح





سی  
هشتم  
سیر  
ظلال

صَاغِرُونَ سِی هَشْتَمِ جِهتِ سِرِّهِ بِنُوْبِیدِ دِبرِ مَطْمُورِ  
 بِنَادِیْرِ نَدِ صِ صِ صِ صِ صِ مَوْطِ بَرَاکِ صِ صِ صِ صِ  
 لَحْمِ مِ مَسَعِ مَح لَ عَجْرَاهُمْ کُلِّ بَا مِر الرَّحْمَنِ الرَّحِیْمِ بِنِسِ الطَّحَالِ  
 مَن بَطْنِ حَامِلِ هَذَا کِتَابِ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ وَّلَا حَوْلَ  
 سِ نَهْمِ وَّلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ مِی و نَعْمِ بِنُوْبِیدِ و بَرِ  
 مَعْرُوعِ کَلَاهِ مَصْرُوعِ بَدُوْرُ نَدِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیْمِ کَمْرٍ مِّنْ یَعْتَرِیْنَا  
 مَن اللّٰهِ فِی عِرْقِ سَاکِنٍ مَّعْتَقٍ لَا یُصَدِّعُوْنَ عَنْهَا وَّلَا یَنْفِرُوْنَ  
 مِیْنُ کَلَامِ الرَّحْمَنِ خَدَّتِ النَّیْرَانُ وَّلَا حَوْلَ وَّلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ  
 مَوَالِفِ کُوْبِیدِ کِه اِیْنِ جِهْلِ فَا یِدِه رَا مَجْرَبِ جِهْمَةِ اِسْتَفَاعِ بَرَادِرَانِ  
 رُوْحَانِی تَحْرِیْرِ یَا فِت نَمِت

فناد  
از بیگز  
دانیال

بِکِ رَقْمِ تَفَالِ دَر کَشْکُولِ دَر دَسْتِ عَزِیْزِ مِ جَنَابِ اَقَا یِ سَیِّدِ عَزِیْزِ  
 اَللّٰهِ اِمَامَتِ کِه اَکْثُوْنِ دَر کَامَا ثَانَ سَکُوْنَتِ دَا شَتِ اَز کَشْکُولِ  
 شِیْخِ اَوْرَدِه کِه مَخْطِ مَشْهِدِ اَوَّلِ مَرَادِ اَسْتِ یَا شَهِیْدِ ثَانِیِ دِیْدِه  
 مَشْدِه کِه مَحْضَرَه دَانِیَالِ بِنَغْمِ رَسِیْتِ مِیْدِه دِ کِه اَکْرِ کِیْ مَحْوَا  
 هَدِ بَدَانْدِ کِه حَاجَتِی کِه دَارِدِ بَرَا و رَدِه مِی شُوْدِ یَا نَه قَبْضِه اِی اَز  
 حَبُوْبِ هَر حَبِیْبِ اِی نَخُوْدِ بَا قَلَا عَدَسِ و غِیْرِه بَکِیْرِدِ و حَاجَتِ  
 خُوْدِ رَا مَنظُوْرِ رَا شَنَه بَا شَدِ و هَشْتِ و هَشْتِ طَرَحِ کَنْدِ اَکْرِ بَاقِی  
 مَانْدِه یَکِی اَسْتِ مَتَعَلِقِ بَزْهَرِه اَسْتِ و حَاجَتِ بَرَا و رَدِه

بمورد

## در بیان فواید ایام ماه

میشود و اگر دوتا است حاجت نارواست و تعلق بمریخ دارد  
 و اگر سه است مربوط به ذنب است و نخس است و غیره  
 و نیز اگر باقی مانده چهار است بر آورده شدنی است و متعلق  
 به زحل است و اگر پنج است مربوط به مشتری است و بر آورده  
 است سرعت و اگر باقی مانده شش است تعلق  
 به قمر دارد و بر آورده است و اگر هفت است متعلق به  
 عطارد است و مجوی بر آورده میشود و اگر بقیه هشت است  
 اصلاً در نبالش نوزد که بیهوده است تمت  
 هر روزی از ماه که فایده است

اول ماه ای سپهر هنر	احتیاط است بیع و نقل و سفر
دوم ماه پس مبارک دان	عمل شغل و دیدن سلطان
سیم ماه سخت مذموم است	و نذر و جمله کارها شوم است
چهارم ماه عروس و مهمانی	اختیاری نکوست نادانی
پنجم ماه که هفت روزی به	روزگی نامبارک است از حد
در ششم حاجت و لغای صدو	اختیار است و بیع و جمله امور
هفتمین ماه روزها قدیم	اختیار است شوکت و تعلیم
هشتمین روز جز سفر شاید	جمله کارها که بیش آید
نهمین نیکو است ایام سرد	دیدن پادشاه و نقل و سفر

## در بیان فوائد ایام ماه

- سفر و توبه بریدن دیبا ۵  
 همت محبوب روز با زدم ۵  
 درده و درد روزها قدیم ۵  
 سیزدهم از قدیم باشد بد ۵  
 سفر و توبه بریدن دیبا کار ۵  
 نیمه ماه ای ستوده شب ۵  
 شانزده روز چون شود از ۵  
 اختیار است هفدهم بزا ۵  
 بیچده ماه چونکه همت محل ۵  
 زبید اندر و و بیچ و نه همراه ۵  
 بیستم روز دیدن سلطان ۵  
 روز بیست و یکم مکن کاری ۵  
 روز بیست دوم کندرانا ۵  
 بیست سوم خوش است بگزیدن ۵  
 چون بد است از قدیم بیست و چهار ۵  
 بیست و پنج نیز مذموم است ۵  
 بیست شش در ادعای عمارت کن ۵
- دود هم نیک باشد وزین ۵  
 شغلها را و دیدن مردم ۵  
 صنعت تاج شاید و تعلیم ۵  
 هیچ کاری در او نمی زبید ۵  
 در دو و سه و بیچ دان و چهار ۵  
 عمل و شغل از ملوک طلب ۵  
 هیچ کاری مکن که همت تباہ ۵  
 سفر و نقل و دیدن امرا ۵  
 هر بیع دواب و شغل و عمل ۵  
 سفر و غرس و عزم نقل و نگاه ۵  
 هست مختار خواندن قران ۵  
 که ندامت خوری تو بسیاری ۵  
 بیع اسباب و ملک و زمینها ۵  
 هر تزویج و جامه پرستیدن ۵  
 هیچ کاری مکن در او زنهار ۵  
 و نذر و جمله کارها شوم است ۵  
 بجز املاک و پس تجارت کن ۵

## در بیان اورداد و ازکار و تعویذات ۲۱

- ه ه بر اعمال و شغل سلطانی
- ه ه در نیمه کارها که پیش آید
- ه ه بیست و نه نگو و بگزیده است
- ه ه در نیمه کارها پسندیده است
- ه ه افزاه فرس سعود است
- ه ه سفر و عقد و بیع محمود است

نگارنده گوید این اختیارات ایام فرس را از روی بعضی از کتب قدما آوردم والله اعلم حَسْبُ

در بیان اورداد و ازکار و تعویذات و خنومات مجرب و نوشته شده

در او یاد و ازکار بجهت مطالب و مقاصد قوله تعالی قُلْ اِنَّ  
الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَّشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ این

آیه را روز پنجشنبه در ساعت مشری یا زهره بر پوست اهنوز سید

باطهارت باشد و نوشته را در خرقة بیچیده که از برهن مردی

نیک بخت و صاحب دولت بود هر کسی که انرا با خود دارد خدا

تعالی او را توفیق دهد و اگر پردردگان بیادریزد با برود

سرا خیر و برکت بسیار بظهور آید و ابواب خیر و برکت و رزق

بروگشاده گردد و اگر کسی که معطل بود انرا با خود دارد او را

شغلی بیداشود و اگر خواست کاری دینی کند و انرا با خود  
و باسانی می شود نوع دیگر اِنَّ رَبَّ الْاُمَمِيَّتِ الرَّبُّ  
الْمَقِيَّتِ هر که برگفتن این دو اسم مداومت نماید بر درها

بجهت مطالب  
و مقاصد  
در خرقة  
رزق

بجهت مطالب  
و مقاصد  
رزق

# در بیان اسماء اعظم

بسیار مال و فرزندان او بسیار شوند و اگر کسی را دردی باشد  
 این دو اسم را پر دست او نویسد و باین دو اسم دعا کند آن درد  
 زایل گردد **الْبَارِئُ وَالْمُعِيدُ** چون بخواند دو اسم مداومت  
 نماید ملائکه که موکل این اسم با موافقت نمایند و بعزت ایشان بر  
 اموری قادر گردد که منصور او بنور **الْعَلِيمِ الْحَكِيمِ** این دو اسم را  
 بنویسد و بشویند و مجورد کسی دهند که سگ دیوانه گزیده  
 باشد خلاص شود و اگر این دو اسم را بنویسد و صاحب اسهال  
 با خورنگاه دارد شفا یابد و اگر بنویسد در روغن زیت اندازد  
 و مار گزیده مجورد شفاء یابد و ساله شود و اگر اثر در دیوار خانه  
 بنویسد کبک از آن خانه بگریزد و اگر کسی را کاری بیش آید که نماند  
 آنرا بنویسد و با خود دارد و با خواندن این دو اسم مداومت نماید توفیق  
 یابد بر صلاح و سداد آن کار **الْكَرِيمُ الْوَهَّابُ ذُو الطُّوْلِ هَرَسُ**  
 بر خواندن این سه اسم مداومت نماید ابواب رزق بر او مفتوح  
 گردد و حاجات او بر آورده گردد و اگر این اسم را بنویسد و با خود  
 دارد خداوند تعالی همه دشواریها بر او آسان کرد و اگر این اسم را  
 بحباب جل بگیرد و الف لام در دو اسم اول اعتبار نکند  
 مجموع هزار و شصت و شش باشد بخواند در جایگاه خالی با  
 طهاره و نیت درست و دل خاشع بعد از آن هر دعا که

در شکر نیت

بجستن شکر در عمل

ابواب الرزق و استجاب دعا

بکنه

# در بیان اسماء اعظم ۲۳

بکند منجباب شود منقولست که هر که این کلمات را که از ایل سوره  
 است غیر مکرر در روز شنبه که بعد از نوزد ز بود بنویسد و باب  
 بآک بشوید و مجورد در انال از درد چشم امین باشد و کلمات اینست  
 اَلَمْ الْمَصَّ الرَّامِرَا كَهَبَعَضَ طَهَّ طَسَمَ طَسَّ بَسِينِ  
 صَ حَمَقَقَ قَانَ وَهَمَّ مَنقُولَتِ که هر کس این کلمات فر  
 مکرر نقش کند بر خاتمی از نقره در پنجشنبه اول رجب چون این  
 خاتم را خاتمی بنویسد امین بشود اگر پیش پادشاهی رود  
 بصیر بادشاه بزرگ و با هیبت نماید و کارهای او برادر او سازد  
 و اگر کسی در غضب باشد باین خاتم بیا بند غضب او زایل  
 و اگر تشنه او را در دهن گیرد صیراب شود و اگر زنی بی شوهر  
 انزا بنویسد او را شوهر پیدا شود و اگر بیگاری انزا بنویسد  
 او را کار پیدا شود و اگر بر مصروع بهوش بازاید و اگر بکسب  
 انزا در آب نهند و صباح ازان آب بنیاشتا مجورد و قوت حافظه  
 وی قوی گردد انشاء الله

ما ننظره و نوزد

در بیماری و در وقت

در خواص سوره فاتحه الكتاب حضرت رسول ص و سلم فرمود  
 که هر کسی فاتحه را بخواند چنان باشد از روی ثواب که نورات و انجیل  
 و زبور و قران خوانده باشد و فرمود که در فاتحه الكتاب شفاست  
 از جمله بیماریها و فرمود وقت باشد که خدا بتعالی عذاب بر قومی

## در بیان خواص سوره فاتحه الكتاب

مقدر کرده باشد پس کودکی از کودکان آن قوم در مکتب خانه  
 فاتحه الكتاب را بخواند خدا تعالی بپرکت آن عذاب از ایشان  
 دور دارد مدت چهل سال و فرمود که افضل اینها بی قرآن  
 الحمد لله رب العالمین است و فرمود که هر کس چهار نوبت بگوید  
 الحمد لله رب العالمین چون نوبت پنجم بگوید همانرا فرشته ندا  
 کند با او که خدا تعالی متوجه حال نیت بطلب از او هر چه میخواهی  
 و فرمود که هر کس بمزول خود را به سوره فاتحه الكتاب و اخلاص  
 خدا تعالی فقر و درویشی از وی بردارد و خیر و برکت آن <sup>در منزل</sup>  
 بسیار شود و فرمود چون کسی را چشم درد کند یا در بینائی  
 ضعیفی باشد در اول ماه چون هلال را ببیند دست راست بر  
 چشمها خود بمالد و فاتحه ده بار بخواند در اول نسیه گوید و  
 در آخر امین گوید و بعد سوره اخلاص بخواند و هفت بار  
 بگوید مَشَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس  
 پنج بار بگوید يَا رَبِّ پس بگوید قُوْبَصْرِي اللّٰهُمَّ اَشْفِ اَنْتَ  
اَشْفَى اللّٰهُمَّ اَكْفِ اَنْتَ الْكَافِي اللّٰهُمَّ عَافِ اَنْتَ الْعَافِي ان  
 درد و ضعف بصمت مبدل گردد و فرمود که هر کس بگیرد  
 قدری آب باران و بخواند بان فاتحه و آیت الکرسی و  
 اخلاص و معوذتین هر يك هفتاد مرتبه و در بامداد از

بگویند  
 در



## در بیان خواص فاتحه الكتاب ۲۵

این آب بخورد و هفت روز هر مرضی که در بدن او باشد خدا  
 متعالی از او ببرد و فرمود که هر کسی روز جمعه بعد از آنکه امام  
 سلام دهد فاتحه را خلاص و معوذتین بخواند هر يك را  
 هفت بار خدا متعالی دین و دنیا و اهلی و فرزندان او را در  
 حفظ و امان خود دارد با جمعه دیگر در خبر است که جبرائیل  
 علیه السلام گفت یا رسول الله ﷺ که من همیشه ترسان از عذاب  
 امت تو چون سوره فاتحه نازل شد امین شدم زیرا که این  
 سوره هفت آیه است روز قیامت هر شب از آن شب در  
 از درهای دوزخ بگیرد تا امت تو بسلامت بگذرد و امیر المؤمنین  
 علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کند که رسول الله  
 ﷺ فرمودند که هر کسی بعد از نماز بخواند فاتحه و آیه الکرسی  
وَشَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَالْوَعْلِمُ قَائِمًا  
بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ  
الْإِسْلَامُ وَقُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمَلِكِ إِلَى بَيْتِ حِسَابِ حَضْرَتِ  
 حق سبحانه و تعالی بذات اعظم خود سوگند خورده که بهشت  
 های او گردانم و در خطاب بر قدس او را منزل دهم و هر روز  
 هفتاد بار بنظر رحمت در و نظر کنم و هر روز هفتاد حاجت  
 او را روا کنم که کمترین حاجت او امرزش کنا هان او بود و او را

## ۲۴ در بیان خواص سوره فاتحه

از شریک دشمنان محافظت کنم و او را نصرت دهم و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هر کسی فاتحه الکتاب را چهل مرتبه بر آب باران بخواند و آن آب را بر روی کسی بپاشد که او را تب بود زایل شود باذن الله تعالی و هم از امام جعفر صادق ع منقولست که هر کسی عطسه زند و بعد از آن فاتحه بخواند و بار بر هر دو کف دست خود دمد و بر روی خود را آورد از درد چشم و در پیر و خون آمدن از بینی و از کلاف ایمن کردد و هم از امام جعفر الصادق ع منقولست که هر کسی فاتحه را چهل و یکبار بخواند در میان سنت و فریضه با مقدار و چنان باشد از ثواب که تورات و انجیل و زبور و قرآن خوانده باشد و فرمود که در فاتحه الکتاب شفاست از جمله بیماریها و فرمود که وقت باشد که خدایتعالی عذاب بر قومی مقدر کرده باشد پس کودکی از کودکان آن قوم در مکتب سوره فاتحه الکتاب بخواند خدایتعالی به برکت سوره فاتحه الکتاب آن عذاب از ایشان بردارد مدت چهل سال و دیگر آنکه چون او را بمشک و زعفران و کلاب در ظرفی پاک نوسید و آنرا بکلاب بشوید و کسی ابله باشد یا قوت حافظه او ضعیف باشد هفت روز متوالی از آن کلاب بخورد ابله می از او زایل شود و حافظه

سوره  
فاتحه

در بیان خواص فاتحه الكتاب ۲۷

او قوی گردد و دیگر آنکه چون این سوره را در طرف بآک نویسد  
و آنرا بر روغن گل بشوید و در رکوش چکاند در رکوش زایل شود  
و این سوره را بر آن هفتاد بار بخواند و آن روغن را در اعضاء  
مالد فالج و عرق النساء و درد پست زایل شود و آن روغن بسیار  
است و از شیخ عباس بونی در تعلیقه آورده است که هر کسی این  
سوره را نقش کند در صفحه از نقره بوقت زهره طلوع با خود  
دارد و در سفر از همه بلاها ایمن باشد و همیشه از حوادث روز  
کار محفوظ باشد چون کسی خواهد ظالمی را با شر بر اهلک

در رکوش  
و شمس

کند با در رحمت اندازد و آیه شریفه وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ  
يَا قَوْمِ إِنِّي كُنْتُ نَذِيرًا لَّكُمْ أَنْ تُكْفِرُوا بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ إِنَّكُمْ  
عِنْدَ رَبِّكُمْ بِمَا تَكْفُرُونَ لَكُمُ خَيْرٌ مِّمَّا تَكْفُرُونَ نقش کند بر صفحه از آهن و در  
وقت نقش کردن نام او و مادر او باد میگردد باشد پس آن آهن

را در آتش اندازد و بلند بگوید بنام فلان آن شخص در بیماری  
و رنجی افتد که او را طاعت آن نباشد قوله تعالی وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مَعْشَرَ

الَّذِينَ آمَنُوا كُنْزُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّمَّا تَكْتُمُونَ و آنکه  
منظرون ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون و ظلمنا عليكم  
الغمام و أنزلنا عليكم المن والسلوى لولا من طيبات ما رزقنا  
چون این آیه را در خانه از نقره نقش کند و در آنکشت خود کند

در دفع  
فقر و غم

در بیان اربعه متفرقه

خود کند ابواب رزق بر او کثاره کرد و دنیا روی باو نهد و از فقر و فاقه خلاص شود قوله تعالى وَلِكُلِّ وِجْعَةٍ هُوَ مَوْلِيهَا فَاَسْتَقُوا الْخَيْرَاتِ اَيْنَمَا تَكُونُوا اَيَاتِ بِيَمِّ اللّٰهِ جَمِيْعًا اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ  
 این آیه را بر قطعه کرپاس نو که از کربیان جا به گرفته باشند نوبسند  
 نام دزد بایسد کرچینه برو نوبسند و آن قطعه را بسمار بردیوار  
 خانه که از آن خبری دزدیده یا کرچینه آن دزدیده رود  
 بدست آید و آن کرچینه رود باز آید قوله تعالى وَاِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَاِنِّي قَرِيْبٌ اُجِبُّ دَعْوَةَ الدّٰعِ اِذَا دَعَانِ  
مَلِيْنًا يٰحَيُّوْا لِيْ وَكَلِيْمُوْا لِعَلَمِيْمْ يَرْسُدُوْنَ هر کس این آیه را  
 بسیار خواند و بدان مداومت نماید کار بسته او کثاره کرد  
قوله تعالى اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ تا اخر هر کس این  
 آیه را در اخر نمازی بخواند از وسوسه شیطان و بکرا و  
 امین شود و از فقر و فاقه خلاصی باید در روزی او برسد از  
 جایی که چشم نداشته باشد و هر که هر صبح در وقت پیرون  
 آمدن از منزل و در هر شب وقتی که بجای خواب رود بخواند  
 از درویشی امین شود از در هم و غم فارغ شود و خدا بتعالی  
 او را صحت عنایت فرماید و از ترس و فرغ در خواب امین  
 شود و اگر آنرا بر سفالی نوبسند و در میان غله سفد

بهر  
دزدیوار

دفع  
درویشی  
و فقر و فاقه

از دزدی

در بیان بعضی ادعیه متفرقه ۲۹

از دزد این شود و بروت در آن پیدا شود و اگر انرا بنویسد  
 و بر استانه با بالای ازرگان بیاورد و یاد در منزل او مال او  
 زیاد شود و هرگز محتاج نکرده و هر کس در عقب هر نماز بخواند  
 ان مداومت نماید قوله تعالى الم الله لا اله الا هو الحي  
القيوم نزل عليك الكتاب بالحق مصدقا لما بين يديه  
وانزل التوراة والانجيل من قبل هدى للناس والنور للمؤمنين  
 این آیه را بر کاغذی نوید بمسک و زعفران و کلاب و این را  
 بموم محکم کند و بگردن طفل بندند از فصب فارسی بنفش از  
 طلوع آفتاب از همه افتها محفوظ ماند به تخصیص از شر دیو  
 و پری و از مرضی که انرا ام الصبیان گویند و اگر انرا بر پوست  
 آهو بقلم باریک در ساعت دوم پنجشنبه و در زیر نگیب خانم نهد  
 یا آنکه او را بر خانمی نقش کند و ان خانم را در انگشت کند بشرطی  
 که با و صنو باشد از شر اعدا محفوظ ماند و جاه او بفراید و  
 سخن او بر همه کس مقبول قلوب گردد و اگر همین را ان الدین  
كفرًا يا ايات الله لهم عذاب شديد والله عزير ذو انتقام  
ان الله لا يخفى عن شئ في الارض ولا في السماء هو الذي  
يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم  
 بنویسد و زنی که فرزند نمیشود انرا با خود دارد او را حل بند

رقای  
ام الصبیان

جهت  
عمل در آن



## دُرِّیَانِ اِرْعِیَّةٍ مَتَفَرِّقَةٍ

۳۱

از او پرورد و بانندگی بهزنی سرشود و بشر ما در او بسیار شود  
 قَوْلُهُ تَعَالَى هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ  
 ذُرِّيَةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي  
 فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بَيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا  
 وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ قَالَ رَبِّ أَنْتَى بَكُونُ لِي غَلَامًا وَ  
 قَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَانْرَانِي عَائِرًا قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يُفَعِّلُ مَا يَشَاءُ

در  
 رجب  
 ماه

این اینها نافع است بر مردی و زنی که ایشانرا فرزند نمیشود  
 بنویسند این اینها را برد و قطعه هر بر سفید بمشک و زعفران  
 و کلاب در ساعت هفتم از روز جمعه بشرطی که با طهارت  
 باشد و همین اینها را بنویسد در جام سفید نو با آب کینه محکم  
 و باب شربین از اینها بنویسد و سه روز مرد و زن از آن آب بخورند  
 و آن دو نوشته را یکی زن و یکی مرد پس چون مجامه خواب  
 روند آن نوشته ها را خود باز کنند و صحبت بدارد و غسل کند

در  
 رجب  
 ماه

فرزند کرامت فرماید قَوْلُهُ تَعَالَى يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا  
 رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا  
 وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَلُّونَ  
 بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا اكر مردی که او را

فرزند نمیشود این ایه را در نیم شب جمعه از زعفران بر قطعه از  
 حلوا نویسد چنانکه کسی او را نه ببیند پس انرا بخورد و باذن صحبت  
 دارد سه شب جمعه باین دستور عمل کند فرزند پیدا شود قوله  
 تَعَالَى يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا  
 إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ  
 فِي رَحْمَةٍ وَفَضْلٍ وَيُؤْتِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا این ایه را  
 بجهت رفع مجادله روز یکشنبه روزه بدارد و این را بر قطعه ابرم  
 نویسد و با خود رازد بر خصم غلبه کند و ذلیل شود و باوران  
 و مجبان خصم ذلیل گردد و اگر کسی را بسته باشد این ایه را  
 بکلاب و زعفران بنویسد و آن را در زبردستار خود بندد و در  
 برابر پیشانی کشاده گردد و بعضی گفته اند که انرا بنویسد بباب  
 و آن اب را بخورد قوله تَعَالَى حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ  
 وَأَخَوَاتُكُمْ وَعُمَّانُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَ  
 أُمَّهَاتُكُمْ الْأَنْبِيَ الْأَنْبِيَ الْأَنْبِيَ الْأَنْبِيَ الْأَنْبِيَ الْأَنْبِيَ الْأَنْبِيَ  
 نِسَائِكُمْ وَأُمَّهَاتُكُمْ الْأَنْبِيَ الْأَنْبِيَ الْأَنْبِيَ الْأَنْبِيَ الْأَنْبِيَ الْأَنْبِيَ  
 دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَاجِنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَالٌ عَلَيْكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ  
 أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْعُوا بَيْنَ الْأَخْيَارِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ  
 اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا این ایه را بجهت عقد الرجال

این  
ادعیه  
را  
بسیار  
مفید  
است

در عقد  
شوهر  
و فرقی  
نماند  
در کسی  
باید

بویزه



رذبان عقد اللسان

بنویسند و صورتی سازد و نام آن شخص و مادر او بنویسند  
 و نوشته در میان صورت بکشند و بگویند یا فلان بن فلان  
 ذَهَبَ شَهْوَتُكَ عَنِ النَّأْمِ عَجَبٌ هَذِهِ الْآيَةُ وَأَنَّ صَوْرَتَ  
 را در خرقه که از کفن میت مانده باشد در مقبره قدیم دفن  
 کند آن شخص دیگری در نشود بر صحبت داشتن و شهوت  
 زنان از دل او بیرون رود بسیاری که شهوت بر ایشان غالب  
 بوده باین نوع عمل کرده اند و خلاص شدند و از خواص  
 این آیه تفریق است میان زن و مردی که مجرام با هم اختلا  
 فت دارند باین طریق که قدری که قبر سیاه بگیرد و از آن  
 صورتی بسازد شبیه بمرد و از هر سرح صورتی سازند  
 شبیه زن و هر صورتی نام او و نام مادر او بنویسند و آن  
 را بر قطعه از پوست آهو که گهنه باشد بنویسند و آن را در  
 این هر دو صورت بچسبند و در موضع که هر دو ایشان با  
 شدن

عقد ارجاع

زبان  
بند

دفع کند میان ایشان فرقت واقع شود  
 دعای زبان بند هر کس خواهد این را زیر زبان نهاد  
 بهر مطلب که حرف زند مجرب است للا لالا لالا لالا لالا

عقد لسان  
زبان به

ایضا هر کس این طلسم بزبان بندد با خود نگاه دارد  
 زبان جمله بدگویان بسته گردد و در نظر بادشاه و سلاطین

### در بیان عقد اللسان

و عرب و عجم و ترک و ثاقب و زن و مرد و بنده و آزاد عزیز

ح	ا	د	ع
دع	ا	ک	ر
ح	ر	ع	د
ل	ر	د	ح
ح	ر	ع	ا
ع	ر	د	ح

و شریف نباشد مودت بر صاحب درماید

نشود و ظلم اینست زبان بند

قوله تعالى ان تبدوا خيرا او تحفوا

بذات او تعفوا عن سوءه فان الله

كان عفوا قديرا ابن ابي عمير

عقد اللسان مشهور است باین

طریق که صورت انکس در کاغذ بکشد و نام او و نام مادر

او بنویسد و از او در دهن موشی کور بگذارد و دهن او را بدوزد

و او را بر دهد که دیگران شخص سخن نتواند گفت -

قوله تعالى قال رجلان من الذين يجادلون انتم الله عليهما

ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غالبون وعلى الله

فتوكلوا ان كنتم مؤمنين ابن ابي عمير عقد اللسان

مجریت اثر بر پوست آهو نویسد بکلاب و زعفران و نام

انکس که خواهد و نام مادر او بنویسد چون انکس او را با

خود وارد نزد حکام رود و اهل ظلم زبان ایشان بسته کرد

و نتواند که با او درشت گویند و الله اعلم

قوله تعالى كعبعض ذكركم ربك عبده زكريا

بیت سیزدهم  
عقد اللسان

از نادانان

در بیان اولاد و بیداشد عمل

اِنْ نَادَى حِدْرَتَهُ نِدَاءً خَفِيًّا قَالَ رَبِّ اِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَمَلَ  
 الرَّاسُ شَيْبًا وَاَلَمْ اَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّي شَقِيًّا وَاِنِّي خِفْتُ  
 الْمَوَالِي مِنْ وِرَائِي وَكَانَتِ امْرَاَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ  
 وَلِيًّا يَرْبِّي وَيُورِثْ مِنْ اِلَيْهِ يَغْفِرُوبَ وَاَجْعَلْهُ رَبِّي رَضِيًّا اِنْ  
 اَبه را باب ران بشوید و مجوز هفت روز متوالی باین دستور  
 عمل کند و بعد از آن صحبت دارد فرزند بدید آید و بیداشد  
 قوله تعالى اُولَئِكَ يَرْزُقُوْنَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ كَاِنَّمَا  
 رَتَقْنَا فَقْتَنًا هُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَآءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ اَفَلَا يُؤْمِنُوْنَ  
 و بگردن قدری آب و این آیات را هفتاد بار بر آن بخواند  
 در شب بشرطی که با طهارت باشد در موضعی که کسی او را  
 نه ببیند و چهار دکن زمین که یا خانه باشد یا باران و معهود  
 کرد و چون زن حامله را درد زادن بیداشد این آیات را  
 بخواند و بعد از آن بگوید رَبِّ اِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَمَلَ  
 الرَّاسُ شَيْبًا وَاَلَمْ اَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّي شَقِيًّا وَاِنِّي خِفْتُ  
 الْمَوَالِي مِنْ وِرَائِي وَكَانَتِ امْرَاَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ  
 وَلِيًّا يَرْبِّي وَيُورِثْ مِنْ اِلَيْهِ يَغْفِرُوبَ وَاَجْعَلْهُ رَبِّي رَضِيًّا اِنْ  
 الارض سقًا حامله او با خود بندد زادن بر و اسان  
 شود بطبع گفته اند که این آیت را بوشکم یا برببت

در بیان اولاد  
 و بیداشد عمل

معهود کردن  
 ایضا  
 زادن  
 اسان

۴۶ در بیان وسعت معاش و روزی

او خوانند روز خلاص شود بسیار مجرب است  
 کلمه الزاق در شرح اسماء الله آورده که هر که با مدار بیش  
 از نهار صبح در چهار زاویه خانه خود هر زاویه ده بار یا از ارق  
 گوید و آغاز از دست راست کند و بجانب قبله را و از فقر و  
 فاقه و بی فوا خلاص شود الغنی در بعضی از رسالتی مقده  
 المحققین خواجہ ضیاء الدین قدس سره مذکور که یکی از ائمه علم  
 حروف در رساله خود آورده در رویش در بلاد عرب بکوشه مسجد  
 رفت و روی همت بمقابله توجه آورد و در بان بکر یا غنی بگوید  
 چون عدد او به هزار هفتاد و یک رسید گوشه ان سقف مسجد  
 فرود آمد در رویش از غایت رحمت و دهشت بران طرف دوید  
 صره هزار مثقال زر خالص در آن گوشه سقف مکتوز و محفوظ  
 بود در میان خاک و غامشاک که فرورفته بود باز یافت الباسط  
 در شرح اسماء الله آورده که هر که این اسم شریف را در هر  
 سحری دست بدعا برداشته ده بار بگوید بودست فرود آورد  
 هنر که سوالی محتاج نشود و اگر کسی در شماره ان بیفزاید که  
 بعدد حروف مکتوبه طه بخواند مداومت نماید اثر قوی تر  
 بود المغنی هر که هر روز بحساب جل که عبارت از عدد  
 حروف مکتوبه است این اسم را هزار بار بخواند تا بحساب

بجست  
وسعت  
از ارق

بجست  
وسعت  
از ارق

## در بیان وسعت روزی

۳۷

مفصل که کفایت از عدد حروف مبسوط است هزار رویت شصت و هفت بار بگوید حق سبحانه و تعالی او را تو انکرو بی نیاز گرداند

بجست  
نوزان  
کرد

۴	ع	ن	ی
۱۱	۲۹	۲۹	۱۰۰۱
۹۹۸	۲۸	۱۲	۵۲
۵۱	۱۳	۲۷	۹۹۹

و هر که این اسم شریف را الوحی مربع سازد و نگاه دارد و بر تلاوت آن مداومت نماید بعد از مجمل با مفصل آثار ثروت و بظهور رسد و در

حصول نتیجه حاصل گردد صورت لوح انبیت

هر که سوره انشا فتحنا را روت هلال ماه مبارک رمضان در اول شب سه بار تلاوت کند و با خود نگاه دارد حق سبحانه در آن سال رزق و روزی بروی کشاده گرداند

در فتح ابواب نوشته بجست ابواب رزق و تسهیل اسباب آن آورده اند و چون کسی را معیشت روی بتنگی آرد و عبرت و سختی پیش آید باید که اول توبه بوضوح کند از جمیع منیجات و صدقه منیجات

در فتح  
ابواب

بجا آورد و شب جمعه چون نیم شب این بر خرد و صد بار استغفار کند و صد بار صلوات فرستد پس اینه وَمَنْ قَدِمَا عَلَیْهِ رِزْقُهُ فَلْيَنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لِيُكَلِّفَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَّا آتَاهَا

سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا از سوره طلاق صد بار تلاوت نماید بعد از آن صد بار دیگر صلوات فرستد پس خواب کند در خواب کیفیت خلاص از ضیق معاش بروی ظاهر شود و

### ۴۸ در بیان برای وسعت رزق

وابواب رزق و روزی مفتوح گردد و همان گوید که هر که آیه  
 شریفه قل من بؤذکم من السماء و الارض امن بملك السمع  
 و الابصار و من یخرج الحی من المیت و ینزل المیت من الحی  
 و من یدبر الامر فسیقولون الله فعل افلا تتقون را از سوره  
 یونس برودق نویسد و از ابر خرفه کیبودی بجد و بازوی راست

کتاب  
 از  
 روزی

بندد اسباب رزق بروی اسان شود و ابواب روزی کشاره  
 کردد انشاء الله نوع دیگر جامع این حروف غنه و اسماء برایشان  
 شکل بر چهارده الف و هفت ج و سه را د شش نون و دو میم  
 با اسماء ایشان بهمین اعداد ایراد فرمود که هر که این صورت  
 را بیک روز و شغرف و زعفران و کلاب نویسد بوقت طلوع آفتاب  
 روز یکشنبه و با خود دارد و مقتول دل مجرب و اطفال و غضب  
 و محمول له گردد و از جانب بکدیگر محبت بشدید کال رسد و  
 کدورت و نفاق از میان بر خیزد و بدوستی مبدل گردد و هر که این

الله الله الله الله الله الله  
 الله الله الله الله الله الله  
 الله الله الله الله الله الله  
 حل حل حل حل حل حل حل  
 حل حل حل حل حل حل حل  
 نور نور نور نور نور نور  
 نور نور نور نور نور نور

شکل را با خود نگاه دارد ابواب  
 رزق و روزی بروی مفتوح  
 گردد و اسباب دینی او  
 بسیار شود و حاصل این شکل  
 ازافات و مخافات و حواریت  
 و نوازل حصول مرک مناجات

۴۴۴ ۴۴۴ ۴۴۴

الله

# در بیان دفع تب

دساله و محفوظ باشد و اگر این شکل را بر تنگین ذهب نقش کند در وقتی که افتاب در شرف بود اثر و خاصیت وی در احوال که مذکور شد چون بر کرده و این شکل ملاحظه نماید

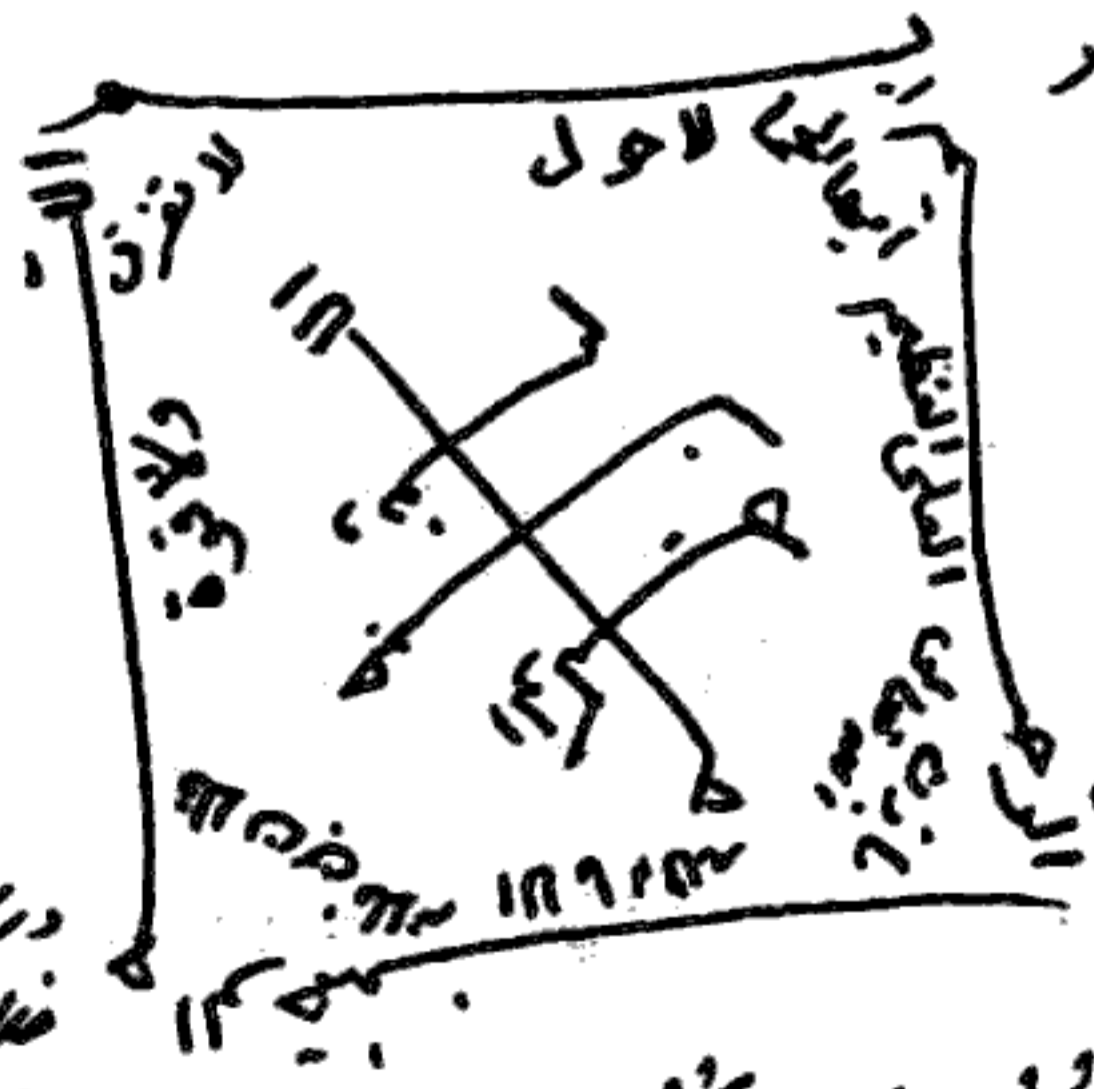
دفع تب

در دفع تب در کتاب در التظیم آورده اند که ابو حاتم رازی گوید که بمسجد آمین البیان حکم بن نافع الصنعانی شیخ بخاری در آمدن مراتب گرفت در اثنای آن ابی البیان بر من آمد مرا باین حال دید پرسید که این مرد چه کس است و چه حال دارد نام من دید و گفتند تب کرده است بر سر بالین من آمد و سؤال کرد چه حال زاری گفتم تب کرده ام پس ورقی نوشت صورت را و در زیر سر من نهاد و برفت فی الحال تب از من زایل شد پس من آن نوشته را برداشتم و آن صورت را در ورقی مرقوم دیدم

بهن گفت این نوشته را نگاه دار  
دبیر دمان بیا موز و آن نافع

است و این صورت اینست  
ایضا در خواص این آیه آورده

که هر که این آیه را اعتصموا  
قَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا



در بیان  
خلاص  
بمسجد  
بمورد

وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ أَرْسُورَه

### در بیان محبت

ال عمران پرورقی آهو نوید روز دوشنبه و فنی که فرود  
 کال نورانیت بود بمشک و کلاب و زعفران نام خود را و مادر  
 اول و آخران رفم زند و مجور لاین نکار بود و در هم بچیده  
 و جای پاکیزه محفوظ گرداند و اگر حامل این شود باید با  
 طهارت و شرافت لباسی باشد همه دلها محب وی گردد او را  
دوست دارند و جمیع دو دشمنان مطیع و منقاد وی شوند

برای محبت در رکتب خواص نوشته اند که اگر کسی این آیه را

قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ  
 مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا  
 فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ از سوره بقره بر هفت قطعه بنک

خواند هر قطعه یکبار بدمد و هر بار بعد از قرائت آیه بگوید  
 باسم فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان و پس یک یک  
 قطعه در آتش اندازد و میخواند که در محبت عامل بی قرار وارم

نشد نوع دیگر آورده اند که اگر کسی بنام شخصی و مادرش  
 آیه لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ  
 عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ از سوره توبه بر تخم مرغ و برا  
 بنک بنک شسته باشد بنویسد و در ظرفی نهاده و در روز

آتش و آن رخن کند چنانچه حرارت آتش بوی رسد آن شخص

برای محبت

برای محبت

در بر



در بیان ادعیه متفرقه

در محبت بمثابه بی طاقت و بی فرار کردد که با خود انفاصل برساند  
ارام نیاید و درین اعمال ملاحظه ساعات و نظرات باید کرد

رفع  
صرع

ایضا دفع صرع آوردند که شخصی عارفی را کینزگی بود آن را علت

صرع بدید آید آن عارف نزد کینزک آمد و در کوش وی فرو خوا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْمَصَّ طَسَمَ كَفَيْضَ بَيْنَ وَالْقُرْآنِ

الْحَكِيمِ حَمَسَقَ نَ وَالْقَلَمِ وَمَا يَطْرُقُ دِیْكَرَ اَزْ اِیْنِ صِرْعِ اَثْرِی

هرگز بیدانند و کینزک بجای از این مرض خلاص شد

رفع درد  
چشم

ایضا دفع رمد آورده اند که هر که بمشک و زعفران و کلاب این

حروف مقطعه را در روز شنبه که معروف است به سبت النور و این

شنبه بود که از ایام البیض که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم مانند

بر ظرف چینی یا زجاج بنوید پس محو کند و یا شامد و قدری

از آن در چشم کشد در آن ماک از مدایم بود از برکت نورانیت

این حروف که سمی است بحروف نورانی و این آیت المر المص

الْمُرَّ الْمُرَّ كَفَيْضَ طَهَ طَسَمَ طَسَمَ بَيْنَ صَ حَمَ عَسَقَ قَ

ری  
عاقبت

نَ فائده قضاء خواجه از کبار علماء رضی الله عنه روایت

کردند که هر که را حاجتی بود که روز چهارشنبه و پنجشنبه

و جمعه روزه بدارد و چون جمع در آید غسل بکند و جامه پاکیزه

در بکند و بمسجد جامع رود و در راه نان صدقه دهد و چون

۴۲ در بیان وسعت رزق و روزی

ما ز جمع کفادر این دعا را بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ  
اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ  
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَاتِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ مَلَائِكَةُ عِظَمُهُ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الَّذِي عِنْتَ الرِّجْوَاءُ وَخَفَّتِ الْأَصْوَاتُ وَوَجِلَّتِ الْعُلُوبُ مِنْ  
خَشْيَتِهِ إِنْ نُصِّلِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَإِنْ تَقَضَى حَاجَتِي وَجُونَ

انجبار سد حاجت خود را بر حق سبحانه عرض کند البته اجابت  
مقدور گردد که اینها را بر سفهای خود این دعا را نیاموزد بصالحان  
قوم برساند ایضا برای وسعت رزق الکریم الوهاب  
ذوالطور صاحب در التعلیم از بعضی محققان نقل کرده که  
هر که مداومت کند بر تکرار این سه اسم بزرگوار مضیق معشیت  
از وی بسعت رزق مبدل شود و روزی وی از جای غیب میر  
گردد که هرگز در کمان وی نکشته نباشد و هم محقق فرموده که  
بسیار مردم باین عمل مداومت کردند از بركات این سه اسم  
چیزها مشاهده کردند که بغایت عجیب و غریب است و هر که  
این اسم را نقش کند با خود نگاه دارد و همدستوار بیجا بروی  
بغایت اسنان گردد که نداند از کدام این معین شده و هر که

از برای  
وسعت  
رزق

تکرار کند

### در بیان رفعت و بزرگی

تکرار کند این اسمها را بعد در جمل ایشان در موضع خالی بر طهارت کامل و حضور تمام و نیت صحیح صادق و قلب حزین خاشع و برین عدد بیفزاید و از وی نکاهد بعد از اتمام عمل هر دعا که کند مستجاب شود فی الحال و فرمود که باید که عامل این قاعده بدانند که زیاده کردن بر عدوی که مقرر شده است اسراف است و نقصان کردن نیت

در بیان رفعت شأن در کتاب این تمیمی در التنظيم آورده که هر که خواهد که شأن وی رفیع شود در مکان عالی گردد و نزد سلطان و حکام و خواص و عوام نبوی تمام پیدا کند باید که آیه وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِذْ مَرِیْسَ اِنَّهٗ کَانَ صِدِّیْقًا نَبِیًّا و رَفِیْعًا مَکَانًا عَلِیًّا از سوره مریم کتابت کند بر قطعه حریر روزه بزعفران که از آبسل مصفی حل کرده باشد و بعد از اتمام کتابت موم خالص را بمس لبه خیر کرده بند قیما سازند و بعد از مجوز کند نوشته را باین بگردند و در هم بچسبند با خود نگاه دارد و مقصود حاصل شود و دولتقا روی نماید

معزول شدن از منصب

ایضا هر کسی از منصب خود معزول شد باشد خواهد که باز بر سر محل رود باید که روز پنجشنبه و جمعه از اول ماه روزه دارد پس در شب جمعه بین الصلواتین وقتی که در فراش میرود سوره یوسف را بخواند و روز جمعه بین الصلواتین

در بیان کسی که از عمل معروف شده باشد ۴۴

تلاوت کند پس ایه وَقَالَ الْمَلِكُ اِنتُوْنِي بِهٖ اسْتَحْلِصْهٖ لِنَفْسِي  
فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِيْنٌ اَمِيْنٌ قَالَ اَجْعَلْنِي عَلٰى  
مَرَاتِنِ الْاَرْضِ اِنِّي حَفِيْظٌ عَلِيْمٌ وَكَذٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوْسُفَ فِي  
الْاَرْضِ يَتَّبِعُوْهُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَآءُ نَصِيْبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ يَشَآءُ

وَلَا تُضَيِّعْ اَجْرَ الْمُحْسِنِيْنَ از این سوره بویید و چون او طار کند

بار دیگر سوره را تلاوت نماید و چون نماز خفتن ار کند بار

دیگر سوره را قرائت کند و چون بفرایش اید بار بخواند و صد

بار لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ و صد بار اَسْتَغْفِرُ اللهَ گوید و صد بار

صلوات فرسند پس آن نوشته را در زیر بالین نهادن خواب

کند و چون صبح شود بدینیت صارق و غریمت صبح کند که هر

گز بر کسی ظلم و تعدی روندارد و از حق تجاوز نکند و بیاطل

در نماز در ظالمنا ترا اعانت نکند و مظلومان را امدار نماید

پس نماز صبح را ار کند و این نوشته را بر در سر خود بجای بید

بیاویزد بر فردی بر سر عمل باز اید

قوله تعالى هَلْ اَتَى عَلَى الْاِنْسَانِ حِيْنَ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ

شَيْئًا مَّذْكُوْرًا اِنَّا خَلَقْنَاهُ الْاِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ اَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيْهِ

فَجَعَلْنَاهُ سَمِيْعًا بَصِيْرًا این آیه را بکلاب و بیشک و زعفران

بویید و بشوید و یکی دهند که بازن خود الفت بنامند

الفت  
ببین زن  
و توهم

یا بخورد

### در بیان الفت بین الزوجین و غیره ۴۵

تا بخورد و بگوید کذالک قلت لا فلان بمحبته فلانه الفت و محبت ندارد و هرگز میان ایشان طلاق واقع نشود

در محبت و الفت میان دو کس چون این آیات را در پوست آهو بنویسد و در روز دوشنبه وقتی که قمر زاید النور باشد باب شاه فوت و در آخر بنویسد نام آن دو کس که خواهد

الفت و محبت

در میان ایشان الفت افتد باین طریق یا مؤلف القلوب  
ألف بين فلان بن فلان كذالك توألف الله بينهما كالألف  
بين الشلج والنار اللهم يا ودود ألفت بين قلوبهما على طاعتك

بعد از آن هر يك را با خود دارد و دشمنی بکدی بگرازد و او برود روز و در میان ایشان دوستی پیدا شود و اگر این را بنویسد و با خود دارد و سخن او را همه کس قبول کند و در دلها اثر تمام کند

جهت تسخیر محبوب و آمدن غائب نیم شب پنجم از روزه بلا فاصله بگوید محبوب بار و اصل شود و غایب پیدا شود

یا جامع المتفرقين بحمت تجیب و تالیف قلوب و تسخیر

محببت

مطلوب در روز جمعه هزار بار این اسم را بر آتش برین بخواند و بخورد مطلوب دهد دوستی بی نهایت گردد و تا روز مرگ جدائی نشود اینست اسم مبارک الودود و تعریف این اسم در شرح اسماء الحسنی در سابق مذکور

### ۴ در بیان شرایط و آداب دعاء

منته است رجوع کنند مطلب بیاید

در بیان شرایط و آداب دعاء و در بیان تسخیر ارواح و قلوب  
 در جمع دعوات داعی را می باید که بر بعضی از شرایط و آداب  
 دعا قیام نماید تا آنکه بیشک بمقصود فائز گردد و آنها اینست  
 که در وقت دعوت رو بقبله برده باشد و با وضو باشد در  
 نشستن با ادب باشد در اثنای ذکر سخن نگوید و از مناهی و  
 کناهان توبه نماید و با اعتقاد و اخلاص تمام بخواند و از سر  
 رغبت مشغول شود و دل حاضر دارد و الحاح بسیار نماید در  
 دعا و امر محال نطلبد و بر استجابات تعجیل ننماید و ارضا کردن  
 ملول نشود و در ماکول و ملبوس ملاحظه حلیت و حرمت  
 نماید و در اول و آخر دعا صلوات بفرستد با ملاحظه این شرا  
 یط و آداب شك و شبهه در تاثیر دعا اینست اما قاعده  
 در تسخیر ارواح جن و انس و پادشاه و امراء و وزراء و ار  
 باب دین و دولت و هر کس که مطلوب اوست و آن قاعده  
 باین نحو است که به بنید اسم مطلوب چند حرف است و  
 بعد حروف بیست و هشت گانه بیت و هشت اسم از  
 اسماء الله با زاء ان حروف وضع و تعیین شده که هر  
 يك مناسب حروفیت چنانچه در خواهد شد و بعد اسم

طلب

## در بیان اعداد حروف

اسم مطلوب اسماء الله را گرفته که بازا حروف مطلوب وضع شده و بعد اسماء خداوندی اسماء الله خوانده و مداومت نماید مثلاً نامی محمود اگر مطلوب باشد بعد از حذف مکررات مرح و د است اسمی که در مقابل میم وضع شده باری است و عدد باری دو بیت و سیزده است همین عدد بخواند بعد از آن اسمی که مقابل حرف حا وضع شده است که یا مَهْمِین باشد بعد او که صد و چهل و پنج باشد بخواند بعد از آن اسم مناسب و او که سلام باشد بعد او که صد و سی و یک است بخواند بعد از آن اسم مناسب و ال را بگیرد که یا مالک است و بعد او که نوز و یک باشد بخواند البته آن شخص مطیع و مستخروی گردد و از سخن او بیرون رود و بعضی گفته اند که اگر سرعت تاثیر خواهد هر اسمی را که در مقابل تعیین شده بعد از آن که بعد از اسم قرأت کرد بعد از آن حرف هم بخواند مثلاً در اسم محمود بعد از آنکه بعد خود اسماء چنانکه مذکور شد خواند یا باری که بعد حرف میم بود چهل است بخواند و مهیمین را که بعد حرف حاست هشت بار بخواند و هم چنین سلام و مالک را بعد و او و ال که شش و چهار است بخواند البته بروزی

## در بیان اسماء و حسنی

۴۸

ماجات مفرونت مجرب و از موده است و اسماء مخصوصه  
حروف باعد در تجویبیت که مرقوم میشود بتفصیل است

۲۹۸	یا رحمن	ب	۶۶	یا الله	ا
۹۱	یا مالک	د	۲۵۸	یا رحیم	ج
۱۲۱	یا سلام	و	۱۷۰	یا قدوس	ه
۱۴۵	یا مبین	ح	۱۳۶	یا مؤمن	ز
۲۰۶	یا خبار	ی	۹۴	یا عزیز	ط
۷۳۱	یا خالق	ل	۶۶۲	یا منکر	ث
۲۰۴	یا مصور	ن	۲۰۴	یا باری	م
۳۰۶	یا نقار	ع	۱۲۸۱	یا غفار	س
۳۰۸	یا رزاق	ص	۱۴	یا وهاب	ن
۱۵۰	یا علیم	ر	۴۱۹	یا فتاح	ق
۷۰۳	یا ناسط	ت	۹۰۳	یا قابض	ش
۳۵۱	یا رافع	خ	۹۱۹	یا حافظ	ث
۷۷۰	یا مدد	ض	۱۱۷	یا معز	ذ
۳۰۲	یا بصیر	غ	۱۸۰	یا سمیع	ظ



## در بیان خواص هُوَ اللهُ الَّذِي ۴۹

در خواص  
هوَ اللهُ الَّذِي

در خواص هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ این جمله سه اسم  
است هُوَ اللهُ اسم ذات است خدای سزاوارترین که مو  
موصوف است جمیع صفات دکال پسندیده و این اسماء  
عظام ذکر اهل توحید است و بزرگان گفته اند که هر که در  
یک شبانه روز هزار بار بگوید يَا اللهُ يَا هُوَ و بدین اسماء  
مداومت نماید خدا بتعالی او را از اهل یقین گرداند و بمقام  
اهل تحقیق و درجات توحید برسد و آنچه خواهد بد و کشف  
شود از جهت آنکه اللهُ اسم ذات است و اسم اعظم است  
و اهل تحقیق اسم اعظم را گویند که هر حرف از او بیفکنی همان  
اسم اللهُ شود مثلاً از اللهُ الف که کنند اللهُ میشود و بِک  
لام از او بردارند اِلَه میشود و اگر الف و بِک لام دور کنند  
لَهُ میشود و اگر الف و هِر و لام که کنند هُو می شود و هُو  
اسم اعظم است و در اسم اللهُ سخن و دلیل بسیار است و دلیل  
چند از قرآن بیرون آورده اند و گفته اند که اسم اعظم خدا  
بیتعالی است که ابتداءً آن بِه اللهُ و ختم آن بِه هُو باشد و این  
چند کلمه را نقطه بنور اگر معرب یا غیر معرب نویسند همان  
که هست خوانده شود و غیر آن نتوان خواند و در کلام مجید  
رہانی و تزیلی اسمانی پنج جا آمده است اول در سورۃ

۵۰ در بیان تسخیر قلوب

بقره الله لا اله الا هو دویم در سوره آل عمران الله لا اله الا هو سیم در سوره نساء الله لا اله الا هو چهارم در سوره طه الله لا اله الا هو

الاسماء الحسنى پنجم در سوره تغابن الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون پس برین دلیل اسم اعظم

الله لا اله الا هو است و بعضی از مشایخ فرموده اند که هر که این پنج آیه که مذکور شد و در کند و هر روز بارزده بار بجز مضمون کلی و جزوی که روی نماید بخواند معجزات او حاصل شود و خواص آیات کلام الله که بنده با اسم الله خوا

صتی بسیار و فوائدش بی شمار است و السلام از برای تسخیر قلوب مخلوقات خصوص منظور نظر این دعای مبارک کثیر الفوائد است زنگار بنا اهل نباموزد و غیر محل

از برای تسخیر قلوب

که مجرام باشد معمول ندارد اینست دعای مبارک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ فِي السَّمَوَاتِ دَوْرَاتٌ وَلَا فِي الْأَرْضِ عِمْرَاتٌ وَلَا فِي الشَّجَرِ وَدَقَاتٌ وَلَا فِي الْأَجْسَامِ حَرَكَاتٌ وَلَا فِي الْعَبْيُونِ لِحَطَّاتٌ وَلَا فِي النَّفْسِ خَطَّاتٌ وَلَا فِي الْبِحَارِ قَطْرَاتٌ إِلَّا وَهِيَ بِكَ عَارِفَاتٌ وَلكَ شَاهِدَاتٌ وَعَلَيْكَ وَالْآتُ وَفِي مَلِكِكَ مَعْبِرَاتٌ يَا قُدْرَةَ

المن

## شرح آیه الکرسی و خواص آن

الَّتِي سَخَّرْتِ بِهَا أَهْلَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ سِجْرِي قَلُوبِ  
الْمَخْلُوقَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِالإِجَابَةِ جَدِيدٌ وَ  
صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَالْكَرْسِيُّ مَحْضُوصٌ فَظَرُّرَادٌ

سجری قلب فلان ابن فلان اسم انکس بگوید الی آخر دعا  
شرح آیه الکرسی و خواصهای امتزاج و ترکیب آن با سورهها  
ی دیگر بتجلی که دارد منتهی از حضرت امام رضا علیه السلام منقول  
ست که هر که آیه الکرسی در وقت خواب بخواند از فالج ایمن  
کرد و هر که بعد از نماز بخواند هیچ صاحب نیشی با و ضرر نرساند  
و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است  
که هر که یک بار آیه الکرسی بخواند حق تعالی از او بگرداند هزار  
بلا از بلاها دنیا و آخرت را که سهلترین بلاهای دنیا فقر و  
احتیاج باشد و کمترین بلاهای آخرت عذاب قبر باشد و منقول  
است که ابوذر از حضرت رسول سؤال نمود که کدام آیه عظیم  
ترین آیات است که بر تو نازل گردیده است فرمود آیه الکرسی  
و منقول است که شخصی بحضرت صادق از تب شکایت کرد  
حضرت فرمود که آیه الکرسی را در ظرفی بنویس و باب حل  
کن و بخور و از حضرت امام موسی کاظم منقول است که یکی از  
پدرم شنید که کسی سوره فاتحه میخواند فرمود که شکر خدا

## ۵۲ شرح آیه الکرسی و خواص آن

میکرد و مرز یافت و بعد از آن شنید که قل هو الله احد میخواند  
 فرمود که ایمان آورد و این شد بعد از آن شنید که سوره انا  
 انزلناه میخواند فرمود که تصدیق پیغمبر کرد و امر زیده شد  
 بعد از آن شنید که آیه الکرسی میخواند فرمود که به به نازل  
 شد برات بیزاری این مرد از جهنم و بسند معتبر از حضرت  
 امیر المؤمنین ع منقول است که کسیکه چشمش ازاری داشته  
 باشد آیه الکرسی بخواند در خاطر خود قرار دهد شفای  
 آن بر طرف میشود بتوفیق الهی و عافیت یابد انشاء الله  
 و هر که بیش از طلوع افتاب یازده مرتبه سوره قل هو الله  
 و یازده مرتبه سوره انا انزلناه و یازده مرتبه آیه الکرسی  
 بخواند خدا مالش را از تلف حفظ نماید چون کسی خواهد  
 از خانه بیرون رود برای حاجتی چه دینی و چه دنیائی پس  
 چند آیه از سوره ال عمران که آخر سوره است از سر آیه  
 ان فی خلق السموات و الارض تا آخر سوره بخواند و بعد  
 آیه الکرسی بخواند و سوره انا انزلناه و سوره حمد بخواند  
 و بقصدان حاجت که مشروع است برود انشاء الله تعالی  
 حاجت های دنیا و آخرتش روا می شود و بسند معتبر از  
 حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول

## در بیان خواص آیه الکرسی

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرُمُودَ كُلِّهِمْ كَمَا هُوَ مَرْتَبَةٌ آيَةُ الْكَرْسِيِّ  
 بخوانند چنان باشد که مدت حیات خود عبارت کرده باشد  
 و از حضرت رسول منقول است که حق تعالی وحی بمن فرمود  
 که یا محمد ۳ بتو و امت تو کجی از کجیهای عرش خود را کرامت  
 کرده ام فاتحه کتاب و خاتمه سوره بقره یعنی اَمَّنَ الرَّسُولُ  
 تا آخر سوره و از حضرت امیر المؤمنین ۴ منقول است که  
 فرمود که کمان ندارم که کسی در اسلام عقلش کامل شده  
 باشد و شبی بدون آیه الکرسی بر آورد بعد از آن فرمود  
 که اگر بدانید چه فضیلت دارد هیچ حال آن را ترک ننمایید  
 بدوستی که حضرت رسول را خبر داد که آیه الکرسی را  
 از کج زیر عرش بمن کرامت کرده اند و بجهت پیغمبری چنین  
 کرامتی نداده اند پس حضرت امیر المؤمنین ۴ فرمود که  
 از آن روز که این را از حضرت پیغمبر شنیده ام تا حال بکتاب  
 ترک خواندن آن را نکرده ام که مرتبه میخوانم در هر شبی  
 یک مرتبه بعد از نماز خفتن بیش از نافله و بسند معتبر از حضرت  
 رسول ۳ منقول است که فرمود یا علی بر تو باد بتلاوت آیه  
 الکرسی بعد از نماز فریضه بدرستی که محافظت و مداومت  
 نمی نماید بخواندن آن مگر پیغمبری یا صدیقی یا شهیدی

## در بیان فوائد خاص آیه الکرسی

۵۴

بند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که چون حق تعالی امر فرمود که سوره فاتحه و آیه الکرسی و آیه قل اللهم مالک الملك را بر زمین آورند ایشان در عرش الهی درآویختند و گفتند پروردگارا ما را اینجا میفرستی آیا بنزد اهل خطاها و گناهان میخوانی ما را بفرستی حق تعالی وحی فرمود بایشان که بروید بر زمین که بعزّه و جلال خود سوگند میخورم که هر که ازال محمد و شیعیان ایشان شمارا تلاوت نماید بعد از نمازها واجب است لبند بسوی او نظر نماید محقق خود یعنی الطاف خاصه خود را شامل او گردانم هر روز هفتاد نظر و در هر نظر کردنی هفتاد حاجت او را برآورم و توبه او را قبول کنم هر چند معصیت بسیار کرده باشد بند معتبر از اصبع بن نباته منقول است که شخصی عرض کرد یا امیر المؤمنین در شکم من صفرائی بهم رسید آیا آیه هست که موجب شفا گردد حضرت فرمود بلی بی آنکه دینار و درهم خرج کنی ای مرد آیه الکرسی بنویس و بشو و آب آن را بخور که این ذخیره باشد در شکم تو و باعث گردد برای شفای تو بقدره الهی و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از صداع شکایت کرد بخدمت حضرت صادق حضرت فرمود که دست خود را بگذار بر موضعی که دردمیکند و سوره الحمد و آیه الکرسی

## در بیان فوائد خواص آیه الکرسی ۵۵

مخوان بعد از آن این دعا را بخوان **اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَجَلٌ وَأَكْبَرُ مِمَّا خَافُ وَأَخَذَرُ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ حَرِّ النَّارِ** آن مرد چنین کرد فوراً شفایافت اما خواص ترکیب و امتزاج کردن آیه الکرسی بسورها و دیگر نقل است از بزرگان دین که از برای دفع اعداء و هلاک دشمن هیچ وردی بهتر از حرز دافع نیت و لشکرهای عظیم از یکدیگر فرو رنجته و بریشان شده اند و این حرز که یانیت از سعادت و در این مقام کنجایش وصف آن نیت و هر صبح بعد از نماز بیش از آنکه سخن بگوید بخواند چرا که این حرز از جمله احرار مجرب است و اگر میسر باشد میان فرض و سنت بامداد بخواند نور علی نور و آنکس که باین حرز مواظبت داشته باشد هیچکس در حق وی بدی نتواند کرد و در نظر ارباب حشمت و دولت و اصحاب مکت و شوکت عزیز و مکرم گردد و مقبول القول باشد و همه کس فرمان برداری وی نمایند و جن و انس بدی بوی نتوانند رسانند و از جمیع افات و عاهات و بلیات در حفظ و امان حقیقی باشد و از بلیات ارضی و سماری محفوظ بماند و هر که در وقت خواب بخواند ایمن است خوردش و مالش از هر چه برسد الحاصل این آیه الکرسی کیمیای اعظم است و خواص بسیار دارد دارند

## در بیان خواص آیه الکرسی

۴۵

و خوانندان از جمیع بلیات در امان خداست و هیچ مخلوقی چه  
 جن انس و چه مردیان نتوانند بوی ضرر رسانند و چه جانور  
 و در امان حضرت شان است چون مراد ذکر جزئی از خواص این  
 آیه الکرسی بود و الا خواصهای بسیار و ثوابهای بی شمار دارد

مختصر کردیم والسلام اعوذ بالله الواحد الماحد من كل عدو  
 و عايد بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم  
 بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد لا تاخذ حسنة ولا تؤم  
 له ما في السموات وما في الارض من الذي يتفجع عنده الا  
 يازنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشي من  
 علمه بسم الله الرحمن الرحيم قل اعوذ برب الناس  
 الا يمشاء و مع كرسية السموات و الارض بسم الله الرحمن  
 الرحيم قل اعوذ برب الفلق  
 هو العلي العظيم بسم الله الرحمن الرحيم قل يا ايها الكافرون  
 انما لا اكره في الدين قد تبين الرشد من الغي فمن يكفر  
 بالطاغوت و يؤمن بالله بسم الله الرحمن الرحيم انا اعطيتك  
 اكثر انما فقد اشمسك بالمرورة الوثقى بسم الله الرحمن  
 الرحيم انا انزلناه انما لا انفصام لها والله سميع علم  
 بسم الله الرحمن الرحيم نصر من الله و فتح قريب و بشر المؤمنين



# شرح آیات قرآنی که سی و هفت تحلیل ۵۷

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ  
اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّامِرُ وَالَّذِينَ  
كَفَرُوا أَوْلِيَاءُ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى  
الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

شرح  
آیات  
تحلیل

شرح آیات قرآنی که سی و هفت تحلیل است حضرت شیخ عبدالمجید  
در کتاب ذکر الاعلیٰ فی شرح اسماء الله تعالی روایت کرده از  
عبدالله بن عباس که گفت شنیدم از حضرت رسول الله ص که  
در قرآن سی و هفت موضع لا اله الا هو است و بعضی از  
علماء ربانی گفته اند اسم اعظم خدا بتعالی در این آیات است و  
خواننده این آیات البته دعایش مستجاب است و خواص بسیار  
از برای این آیات ذکر نموده اند که این بیاض کنجایش ذکر بسیار  
ندارد هر که خواهد تسخیر قلوب سلاطین و امرا و بکند و خواهد  
که تمام خلایق مطیع او گردند و هر چه بگوید همگیس از قول او  
تجاوز ننماید و مقبول قلوب گردد و صفای ظاهر و باطن او بر مرتبه  
رسد که هر که را چشم بروی افتد محبت وی شود و از علم باطنی خدا  
بتعالی او را کرامت فرماید و از دنیا او را با کمال معرفت بیرون برد  
باید که ورد خود ساخته بعد از هر نماز یک بار بخواند بشرطیکه  
چون از نماز فارغ شود همچنان که بر سجاده متوجه قبله نشسته

## در بیان فوائد تعلیلات

مخوانند و در راه بخوانند و بیطهارت فایده اصل مترتب نشود و البته  
 با خشوع و خضوع و تانی و صبح بخوانند تا امرارات دینی و دنیوی  
 او حاصل شود و حصول و مقصد کلی در خواندن این آیات است  
 و حضرت رسول ص فرموده اند هر که در عمر خود یکبار بخواند  
 چنان باشد که تمام قرآن را یاد گرفته و خوانده و امر زنده  
 شود از جمیع گناهان اگر چه بعد در یک بیابان و قطرات باران  
 و بوکهای درختان باشد و با اعتقاد درست خواندن سیئات  
 او را بجنات مبدل گردد و حضرت رسول ص فرموده است که  
 هر که از زوی حفظ و زیادتی قوه دُرّاکه دارد روز پنجشنبه روزه  
 دارد و این آیات بر کاسه چینی نوبید و به آب باران یا آب چشمه  
 بشوید و روزه را به آن آب نوشاید چنان شود که هر چه بشنود  
 یاد گیرد و اگر کسی سحر کرده باشد یا عقد اللسان و از آن آب  
 بیاشامد دفع گردد و اگر کسی این آیات را بنویسد و با خود دارد  
 از بلاهای کونا کون ایمن نباشد و پر دشمنان مظفر و منصور گردد  
 و در نظر وضع و شریف مشرب نماید و هر که او را به بینه دوست  
 دارد و اگر کسی را علت قولنج باشد یا دردی که در زمان نداشته  
 باشد و اطبا از علاج عاجز آیند باید روز جمعه پیش از صبح  
 این آیات را بمشک و زعفران بر ظرف چینی نوبید و به آب

با کلاب بشوید و بناشتا بخورد از آن مرض صحت باید و هر که  
 ورد کند و بعد نماز صبح یکبار بخواند از همه بلاها ایمن گردد  
 و همیشه خوش وقت و خوش حال بود و بزرگان روزگار و مطیع  
 و مسخر او گردند و خداوند تبارک و تعالی هفتاد فرشته بفرستد  
 که آن روز و تاشب خواننده این تعلیلات نگاه دارند از بلیات  
 و آفات و نکبت ها و از ملالت ها و پریشانی ها و جمله بلاها از وی  
 دفع گرداند و هر که را فرض بسیار بود و در کار خود فرو مانده و  
 منحصر شده باشد این آیات را چهل و یک بار بعد از نماز جمعه محبت  
 کتایش بخواند بر او مقصود خود میرسد و قرضش ادا شود  
 انشاء الله تعالی و اگر کسی خواهد که اکابر و بزرگان مطیع خود گرداند  
 باید که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد و هر روز غسل  
 کند و این آیات را در این روزهای گذشته هزار یکبار بخواند  
 در جای خلوت و بخورد بسوزاند بعنایت الله روز چهارم او را  
 بود در سلیم و قلب مستقیم و پادشاهان مطیع و مسخر او گردند  
 و بر قوم خود مسلط گردد و هیچکس از سخن او تجاوز ننمایند و  
 دعوات این آیات مناسب کثافت که خواهند ملک را ضبط  
 کنند و حاکم و لایق شوند باید بدعوات این آیات بشک و ز  
 زعفران و کلاب بر کاغذ پاک ظاهری شب در وقتیکه فرود

## در بیان آیات کریمه تحلیل

تحت الشعاع باشد و آن کا بعد لوله کند و برکنه پاک که او را  
شسته باشند در آن به بچد و بکلاه خرد بند هر جا که رود همچو  
او را بنیدند مادام که آن کلاه بر سرش باشد از نظر خلق مخفی ماند  
انشاء الله تعالی و شیخ بزرگ در جواهر القرآن این آیات را شرح بسیار  
نوشته و خواص بچد گفته و در این کتاب باین مختصر اکتفا غایم  
ناخواننده را ملال نرسد و آیات کریمه تحلیل اینست

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْحَكْمَ إِلَهًا وَاحِدًا ۱ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۲ اللَّهُ لَا  
إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ  
وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ  
وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ  
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ۳  
الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ  
مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى  
لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ  
شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ مُنْتَقِمٌ ۴ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْفِي عَلَيْهِ شَيْءٌ  
فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ  
يَشَاءُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۵ مِنْهُدَى اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ

در بیان خواص آیات کریمه  
 ۶۱

الْإِلَهِ هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ فَأَمَّا بِالْقِسْطِ لِإِلَهِ الْإِلَهِ هُوَ الْعَرْشُ  
 الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
 لَيَجْعَلَنَّ لَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِرَيْبٍ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا  
 ۷ ذَالِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ  
 وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۘ لَا تَدْرِكُهُ الْبَصَارُ وَهُوَ  
 يُدْرِكُ الْبَصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ فَذَجِبْنَاكُمْ بِبَصَارٍ  
 مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ  
 بِمَحْفِظٍ ۚ وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ لِيَتَذَكَّرُوا لِيَلْبِثُوا  
 لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا  
 أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ۙ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي  
 رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ  
 الْأَمِينِ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ  
 آيَةٌ ۙ وَمَا أَمْرُ إِلَّا لِعِبْدِ اللَّهِ فَخُلِّصِينَ لَهُ الدِّينَ لَا  
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۙ ۱۱ فَان تَوَلَّوْا  
 فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ  
 الْعَظِيمِ ۙ ۱۲ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ

٤٢ در بيان اية كريمة تعليلات

وَجُنُودَهُ بَعْضًا وَعَدُوًّا حَتَّىٰ إِذَا أَذْرَكَهُ الْغَرْقُ قَالَ أَمِنْتُ  
 أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ تَبَوَّأْتُ مِنْ آسِئِلٍ وَأَنَا مِنَ  
 الْمُسْلِمِينَ آية ١٣ فَإِنْ لَمْ يَشْتَجِبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا  
 أَنْزَلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَإِنَّ لِلَّهِ الْإِلَهَ الْأَهْوَىٰ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ آية ١٤  
 كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ وَلِنَلْتَلُوا  
 عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ  
 رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ آية ١٥ يَنْزِلُ  
 يَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ يَخْتَارَ  
 أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ آية ١٦ شَارِدُهُمْ وَإِنْ يُجْهَرُ  
 بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْإِلَهَ  
 سَمَاءُ الْحُسْنَى آية ١٧ هَدَاهُمْ وَأَنَا آخِزُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ  
 إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ  
 لِذِكْرِي إِنَّمَا الْجَهَنَّمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ  
 عِلْمًا آية ١٨ نَزَدَهُمْ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا  
 أَنَا فَاعْبُدُونِ آية ١٩ بِسْمِ وَذَا النُّورِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا  
 فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ  
 إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ  
 نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُخَيِّبُ الْمُؤْمِنِينَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ

الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ آیه بیت دوم  
 وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحُجُودُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَ  
 لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ آیه بیت سوم وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ  
 إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ  
 الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ آیه بیت چهارم يَا أَيُّهَا النَّاسُ  
 اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ  
 السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَى تَوَكَّلُونَ آیه بیت پنجم  
 أَنْفَهُمْ وَكَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ آیه ۲۶  
 خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا فَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ  
 مِنَ الْأَنْثَامِ ثَمَانِينَ آرَاجَ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ  
 خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثَ ذُكُورٍ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ  
 الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَى تُصْرَفُونَ آیه ۲۷ غَارِ الذِّبْرِ  
 وَفَابِلِ النَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
 إِلَيْهِ الْمَصِيرُ آیه ۲۸ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا  
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَى تَوَكَّلُونَ آیه ۲۹ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ  
 إِلَّا هُوَ فَارْعَوْهُ فَخَلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
آیه سیام رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ  
 مُوقِنِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ

در بیان خواص آیه کریمه

ایه سی و یکم فَإِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
وَاسْتَغْفِرْ لِدُنْيِكَ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ  
مُنْتَلَبِكُمْ وَمَثْوِيكُمْ ایه ۳۲ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ایه ۳۳ هُوَ اللَّهُ  
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُعَيَّنُ  
الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ  
الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ فِي السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ایه ۳۴ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ایه ۳۵ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ  
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا پس بخواند قُلِ ارْعَوْا لِلَّهِ  
أَرْعَاءَكُمْ أَيُّ مَا تَدْعُوا فَأَلْفَ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى وَلَا تَجْمَعُوا  
بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُوهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا وقل الحمد  
 لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم  
 يكن له ولي من الدال وكثيره تكبيرا و صلى الله على محمد وآله  
 اجمعين در بیان نمازها حاجت وانها بسیار است اما  
 نماز قضای حوائج که مکرر بخیر بر رسیده است ان نماز است که  
 بسند معتبر در کتاب من لا یحضر الفقیه روایت شده که حضرت  
 امام جعفر صادق ع فرمودند بعد از الله نصیر که هرگاه در شدنی

در بیان  
نمازهای  
حاجت

کفرانها





# در بیان نمازهای حاجت

باز چهل مرتبه بگوید بعد از فراغ محاسن خود را بدست چپ بگیرد و کمره کند یا خود را بکمره و ادرار رو بگوید یا محمد یا رسول الله اشکو الی الله و الیک حاجتی و اشکو الی اهل بیتک الراشدین حاجتی و بکم التوجه الی الله فی حاجتی بسمه رود و انقدر یا الله یا الله بگوید که نفس قطع شود بعد از آن بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و حاجت خود را از خدا طلب کند که حضرت صارق علیه السلام فرمودند من ضامنم از جانب خداوند عالم که در همانا عت که از جای خود حرکت نکرده باشد مگر حاجتش روا شود و همیشه اصلاح کردد انشاء الله

شروع میشود در نمازهای حاجت و ختم متعلقه بان که در کتاب حجر الغرائب مسطور است بجهت هر مطلب و هر حاجت که داری دو رکعت نماز بجای آورد بعد از حمد سه توبت این آیه را بخواند الله لطیف بعباده برزق من نشاء وهو القوی العزیز بعد از سلام نماز برپایند و صدو بیت و نه مرتبه این اسم مبارک را بگوید یا لطیف و بعد بسمه رود و حاجت بخواند انشاء الله برآورده است و با حاجت مقرونست و تا سه روز صبر کند اگر تا خبر در

۲ نماز حاجت

الابیر

در حاجت شود باز دو رکعت نماز همان طریق و اسم  
 مبارک بِالطَّيِّفِ الرَّحْمٰدِ و سه مرتبه بخواند مجربست و گویند ۳  
 من تجربه نموده ام ایضاً بجهت هر حاجت شرعی دو رکعت نماز  
 نماز هدیه حضرت رسول ص نمایند و در هر رکعت حمد  
 یکبار و هر سوره که خواهد یکبار بخواند بعد از سلام ده  
 مرتبه صلوات بر آنحضرت بفرستد و بعد سیصد مرتبه  
 بگوید اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و هر حاجت که داشته  
 باشد از حق تعالی طلب کند که بر آورده است انشاء الله ۴  
 ایضاً نوع دیگر جهت هر حاجت در هر وقتی از اوقات خمس  
 که باشد دو رکعت نماز حاجت بگذارد و بعد از سلام بلا  
 فاصله با حضور قلب روی راست را بسجده گذارد و صد  
 مرتبه بگوید يَا اَعْلٰى اَرْكَانِ تَاوَاذَه رُوْزِ بَشْرَطِ اِنَّكَ در  
 يك وقت باشد هر گاه تغییر در وقت بفرسند ار سر گیرد  
 انشاء الله مجرب است ۵  
 ایضاً نوع دیگر جهت هر حاجت نماز قُلْ اَللّٰهُمَّ مجرب است  
 و آن دو رکعت است در هر رکعت بعد از حمد سور قُلْ هُوَ  
اللّٰهُ را بخواند و ده مرتبه اَيُّه قُلْ اَللّٰهُمَّ بخواند و همچنین در  
 رکوع بعد از ذکر ده مرتبه بخواند و بعد از سر برداشتن

در بیان نماز حاجت ۴۸

از رکوع ده مرتبه بخواند و در سجده اول ده مرتبه و در  
 سجده دوم هم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن از سجده  
 دوم ده مرتبه بخواند و رکعت دیگر از نماز باین نحو عمل  
 کند بعد از سلام سر بسجده گذارد و ده بار بگوید قَالَ رَبِّ  
 اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ  
 الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ بعد هر حاجت که دارد از خدا بخواهد که بر آورده است  
 ایضاً نوع دیگر از برای قضای حوائج نماز که نامیده شده  
بصَلْوَةِ الْمُظْفَرِ و تاثیر آن غریب است و موجب فرج و کتابش  
 است بی اندازه و طریقه آن اینست که چهار رکعت نماز گذارد  
 در رکعت اول بعد از حمد بیست و پنج مرتبه بگوید وَأَوْضِعْ  
 أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ و در رکعت دوم بعد  
 از حمد بیست و پنج مرتبه بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ  
 إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَكَذَلِكَ  
 نَجَّيْنَا الْمُؤْمِنِينَ اما در رکعت دیگر که نیت کرد بعد از  
 حمد بیست و پنج مرتبه بگوید حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ و در  
 رکعت دیگر بعد از حمد بیست و پنج مرتبه بگوید لَا حَوْلَ وَلَا  
 قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و بعد از سلام بیست و پنج مرتبه  
 صلوات بفرستد و حاجت خود را از خدا طلب نماید که مستجاب

ع  
نماز حاجت

مكرر

# در بیان نمازهای حاجت ۶۹

۷  
نماز حاجت

مکرر تجرّبه شده ایضاً نوع دیگر از جمله نمازهای برای  
 قضای حوائج دو رکعت نماز بجا آورد بعد از حمد در هر رکعت  
 یازده مرتبه سوره قریس را بخواند و بعد از سلام ده بار  
 یا صد بار یا هزار بار صلوات بفرستد و بعد از آن سر  
 بسجده گذارد و ده مرتبه این دعا را بخواند اللهم اغنني  
بفضلك عن خلقك اللهم اغنني بحلالك عن حرامك  
وبفضلك عن سواك ایضاً نوع دیگر بجهت مطالب  
 عمده و وسعت رزق و غالب شدن بر خصم در شب جمعه  
 یکساعت قبل از طلوع صبح بخیرد و دو رکعت نماز افتتاح  
 بجا آورد و دو رکعت اول بعد از حمد سوره اِذَا جَاءَ نَصْرُ  
اللّٰهِ وَدَّرَ رُكْعَتَ رَدِيمٍ بعد از حمد سوره قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ  
 را بخواند و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات بفرستد که  
 اخر صلوات وَعَجَلُ فَرْجِهِ بگوید و بعد از فراغ هزار و یک  
 مرتبه بگوید بِالطَّيِّفِ اَرْحَمِ اَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ عدد  
 کبیرش چهل و یکروز و عدد صغیرش بیست و یکروز و عدد  
ایضاً نوع دیگر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام  
 مرویست که چون حضرت امیرالمؤمنین عم کار و شوار در

۸  
نماز حاجت

۹  
نماز حاجت

## ۷۰ در بیان نمازهای حاجت

بیش آمدی جامه ناک پوشیدی و وضو ساختی و بر بلندترین جای از بام خانه شدی و چهار رکعت نماز کردی و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذ اززلت و در رکعت دوم بعد از حمد سوره اذا جاء و در نماز دیگر بعد از حمد قل یا ایها الکافرین و رکعت آخر بعد از حمد سوره قل هو الله احد خواند و بعد از فراغ نماز دست دعا برداشتی و این دعای فرج را بخواند اللهم انی اسئلك باسمائک الذی اذا دُعیت بها علی ابواب السماء لفتح انفتحت و اذا دُعیت بها علی مضائق ابواب الارض للفرج انفتحت و اسئلك باسمائک الّتی اذا دُعیت بها علی ابواب الصبر للیسر تبسرت و اسئلك باسمائک الّتی اذا دُعیت بها علی القبور للثور انتشرت و اسئلك باسمائک الّتی اذا دُعیت بها علی کثف الباساء والضراء انکثفت و صلی الله علی محمدی و آل محمدی و اقلین بقضاء حاجتی چون این دعا را بجا آورد مجدا قسم که قدم بر ندارد الا آنکه حاجت او روا شود این دعا را از دعای حلیل القدر سمات است پس اگر نماز در آخر روز جمعہ بجا آورد و بعد همین دعای مذکور مع دعای سمات بالتمام بخواند و حاجت از خدا طلب نماید

در بیان نمازهای حاجت

نماز حاجت

گویند با حاجت مقرون تراست ایضاً نوع دیگر بجهت دولت دینی و دنیوی و فتح امور و جمیع مطالب هر یک از شب

چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعت بعد از حمد سوره یس را بخواند و حاجت از خداوند

نماز حاجت

بخواهد مجرب است ایضاً نوع دیگر بجهت قضاء حاجت خصوصاً رفت و عزت و جاه و دولت دو رکعت

نماز حاجت بگذارد و بعد از نماز با صد مرتبه این دعا را

بخواند مَنْ كَانَ يَرْيدُ العِزَّةَ فَلِلَّهِ العِزَّةُ جَمِيعًا و بعضی

در روز پنجشنبه تعیین کرده اند

نماز حاجت

ایضاً نوع دیگر از جمله نمازهای حاجت اینست که هر که

دردی و غمی و آلمی باشد یا امر مشکلی پیش او آید این

نماز را بجا آورد قدرت حق را تماشا کند که از شب چیزی

نگذرد که از غم نجات یابد و باید شک نیارد و طریقه نماز

اینست که اول غسل از برای قضای حاجت بکند و جامه پاک

پوشد و چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و اگر در شب

جمعه بجا آورد بهتر است اما در رکعت اول بعد از حمد صد بار

بگوید وَأَقْرَبُنْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ و در

رکعت دوم بعد از حمد صد مرتبه بگوید نَصْرًا مِنَ اللَّهِ وَفَتْحًا

۷۲ در بیان نمازهای حاجت

قَرِيبًا مَا نَمَازٌ دِيْكَرِ رَكَعَتٍ اَوَّلِ بَعْدِ اِرْحَمِ صَدْمَرْتَبِهٖ يَكُوْبِد  
اِلَّا اِلَى اللّٰهِ تَصِيْرُ الْاُمُوْرُ ودر رَكَعَتِ دِيْكَرِ بَعْدِ اِرْحَمِ  
صَدْمَرْتَبِهٖ يَكُوْبِد اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِيْنًا وچون سلام نماز  
دهد صد بار بگوید غَفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ پس بر سجده  
گذارد و دست بردارد و صد بار بگوید اسْتَغْفِرُ اللّٰهُ وَاَتُوْبُ

۱۳۳ اِلَيْهِ هُنُوْرًا سِرًا سَجْدَةً بِرِنْدَا شْتَهٗ بَايْسُدْ كِه حَاجَتَش رَوَاشُوْد  
نماز  
حاجت

اِنشَاء اللّٰهِ تَعَالَى اَيْضًا نَوْعٌ دِيْكَرٌ مَرْوِيْتٌ كِه هَر كِه دُوْر رَكَعَتِ  
نماز بگذارد در جایی که کسی او را ببیند در شب یا در روز و هر  
در هر رَكَعَتِ هَدَّ يَكْبَارًا وَاِيْةَ الْكُرْسِيِّ يَكْبَارًا يَجْوَانْدُ وچون فارغ  
شود از نماز بایستد و سر برهنه کند و دستها را با آسمان بلند  
کند و فوطه در گردن اندازد و سُوْرَةَ اِيْسَاءَةَ يَجْوَانْدُ

چون فَيَكُوْنُ بَرَسْدٌ سَجْدَةً كَعْدُ ودر سجده بگوید فَسُبْحَانَ  
الَّذِيْ بِيْدِيْهِ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ وبعده از آن

حاجت خود را از خداوند بخواهد هُنُوْرًا سِرًا سَجْدَةً بِرِنْدَا  
بایستد که حاجتش روا شود اَيْضًا نَوْعٌ دِيْكَرٌ مَرْكَبِيْرًا

مشکلی پیش آید یا روزی بر او تنگ شده باشد دو رَكَعَتِ  
نماز بگذارد و در رَكَعَتِ اَوَّلِ بَعْدِ اِرْحَمِ سُوْرَةَ اِخْلَاصٍ وَاِنَّا  
فَتَحْنَا وَاَجْوَانْدُ تَا اِيْةَ نَصْرًا عَزِيْزًا ودر رَكَعَتِ رَوِيْمِ بَعْدِ

از هر

۱۳۴ نماز حاجت



در بیان نمازهای حاجت

از حمد سوره الاخلاص و الم نشرح و نتمه همان سوره  
انا فتحنا را تا اخر سوره بخواند البته کثوره خواهد از برای  
او مشکلی و دوزیش واسع کرد در انشاء الله تعالی

۱۵  
نماز  
حاجت

ایضا نوع دیگر هجعت هر مطلب در نصف شب بخشنه دوازده  
رکعت نماز بگذارد در هر رکعت بعد از حمد ده بار سوره  
مَاعُونِ بخواند و بعد از هر دو رکعت که سلام میدهد سی  
بار بگوید اسْتَغْفِرُ اللهَ چون از عمل فارغ شود سربسجده  
فصد و از خداوند حاجت خود را از خداوند بخواند البته  
باذن الله روا میشود انشاء الله تعالی

۱۶  
نماز  
حاجت

ایضا نوع دیگر از برای توسعه در امر معیشت و غنی و قوی  
نکری نزد یک صبح برخیزد و دو رکعت نماز حاجت بجا آورد  
و دو رکعت اول بعد از حمد هفت مرتبه سوره قل یا ایها  
الکافرون و در رکعت دوم هفده مرتبه سوره قل هو  
الله احد و در رکوع هر دو رکعت هفده مرتبه سبحان  
ربی العظیم و بجمده را بخواند که مجرب است گفته اند که از  
کتور مخفی است و ذکر رکوع و سجده های انها هفده

۱۷  
نماز  
حاجت

مرتبه و بعد از نماز هفده مرتبه آیه الکرسی را بخواند  
ایضا نوع دیگر از حضرت پیغمبر مرویست که هر که روز

در بیان نمازهای حاجت ۷۴

چهار رکعت نماز قبل از نماز جمعه بگذارد در رکعت اول  
 بعد از حمد یکبار سوره اعلی و پانزده بار سوره توحید  
 و در رکعت دوم یکبار از انزلت را و پانزده بار توحید  
 و نماز دیگر رکعت اول بعد از حمد یکبار سوره نکات  
 و پانزده بار سوره توحید و در رکعت دوم یکبار سوره  
 نصر و پانزده بار سوره توحید بخواند و بعد از فراغ  
 شدن حاجت خود را از حضرت قاضی الحاجات بخواند  
 که بر آورده است انشاء الله

۱۸  
 نماز  
 حاجت

و ایضاً نوع دیگر از حضرت خاتم الانبیا مرویست  
 که هر که راستی روی دهد که از جاره ان عاجز باشد  
 دو رکعت نماز حاجت بگذارد و سه مرتبه بعد از نماز صلوات  
 بفرستد و بعد دستها را برداشته مثال حال فنوت و رو  
 باسمان کند و حاجت خود را از خدا بخواند یا در دل  
 بگذراند و سه مرتبه بگوید تَضَائِقِي وَتَفْرِجِي پس دو  
 بغیله دستها را بلند کند و بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا  
 بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ إِنَّكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اللَّهُمَّ  
 كَفِّ عَنِّي يَا سَيِّدَ الدِّينِ كَفِّرْ أَوْفَاتِكَ أَسْتَدُّ بِأَسَا و

دانه

در بیان نمازهای حاجت

وَأَسَدُّ تَنْكِيلًا وبعده از آن دستها را باز کند که بروی  
فتح و فرج رو نماید انشاء الله تعالی

۱۹  
نماز  
حاجت

ایضاً نوع دیگر بجهت مقاصد عظیمه و مطالب کلیه  
روز پنجشنبه را روزه دارد و با غسل و صد مرتبه صلوات  
بفرستد و دو رکعت نماز حاجت بگذارد و در هر رکعت بعد  
از حمد یا نوره مرتبه اینه الکرسی و بیت و پنجره قل هو الله  
مخواند و بعد از سلام بلا فاصله چهل و یک هزار بگوید یا  
یا وَهَّابِ كَفْتَهُ انذِ بِنَارِ سَرِيعِ التَّائِبِ اسْتَ

۲۰  
نماز  
حاجت

ایضاً نوع دیگر بجهت قضای حاجات روز پنجشنبه چهار  
رکعت نماز بگذارد بدو سلام رکعت اول بعد از حمد یا نوره  
مرتبه سوره اخلاص بخواند و رکعت دوم دو نوره مرتبه  
سوره اخلاص نماز دیگر بعد از حمد سوره بار سوره اخلاص  
و رکعت آخر چهارده مرتبه بخواند و بعد از سلام بچاه و  
یکبار صلوات بفرستد پس سجده کند و در سجده صد

۲۱  
نماز  
حاجت

بار بگوید یا الله و حاجت خود را از خدا بخواند که از عمر یا  
ایضاً نوع دیگر منقولست که هر که را حاجتی باشد از مقوله  
دولت و ثروت و غنی و عزت یا آنکه بیلا گرفتار باشد از

در بیان اقسام نمازهای حاجت

از قیل فقر و فاقه و حبس و ناخشی جسمانی و روحانی شب  
جمعه در ثلث آخر شب برخیزد و وضوی کامل بگیرد و دو  
رکعت نماز حاجت بگذارد بجز سوره که خواهد و صد مرتبه  
صلوات بفرستد بعد از آن هزار و یکبار بگوید بِسْمِ اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و صد مرتبه دیگر صلوات بفرستد و مطلب  
را از خداوند بخواهد و این عمل را در سه شب جمعه بجا آورد

۲۵ که تخلف ندارد بارها تجربه شده است

نماز حاجت

۲۶ ایضاً نوع دیگر هر که در شب برخیزد و بعد از نماز تهنید چهار  
رکعت نماز حاجت بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سه  
مرتبه سوره مدثر را بخواند و بعد از اتمام نماز صد مرتبه  
صلوات بفرستد و حاجت خود را از خدا بخواهد البته رواست

نماز حاجت

۲۷ ایضاً نوع دیگر نماز کن فیکون از برای قضای حوائج نمازیت  
که بسیار از بزرگان دین بر این اقدام کرده اند و او را مؤثر  
یافتند و آن چنانست که بعد از نماز خفتن شب جمعه بیکان  
خلوت رود و دو رکعت نماز حاجت بگذارد و در رکعت  
اول بعد از حمد از اول سوره انعام تا وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِنَا تَشْكُرُونَ  
مخواند و رکوع و سجود بعمل آرد و برخیزد و در رکعت دوم  
بعد از حمد از آیه وَ لَقَدْ جِئْتُمْنَا فَرَادَى تَا اٰخِرِ سُوْرَةِ جُوْرٍ

دربیان نماز حاجت و مطالب ۷۷

سوره بخواند و سلام نماز را بگوید بعد از آن هزار بار صلوات  
 بفرستد و دعا کند و حاجت را از خدا بخواند البته با حاجت  
 مقرونست اگر چه میان او و حاجت بعد المشرقین باشد و این  
 بجهت سرعت تا اثر مسمی بنماز کن فیکون کشته و از مهربانست و بسیار  
 تجربه شده و اگر سوره حفظ ندارد از روی قرآن بخواند  
 و ایضاً نوع دیگر همه مطالب کلیه شب جمعه غسل کند و در وقت  
 نماز حاجت بگذارد و بعد صد مرتبه صلوات بفرستد و صد و  
 یازده مرتبه این دعا را با حضور قلب بخواند البته مطلب حاصل  
 است و تجربه رسیده است و دعا اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 يَا مَنْ لَيْسَ فِي السَّمَوَاتِ الْعُلَىٰ اِلَىٰ مَنْ تَمَّتْ قَرَارِ مَحْوِمِ الْاَرْضِیْنَ  
 السُّفْلِیْ غِیَاثٌ لِاَحَدٍ عِنْدَ سِدَّةٍ نَزَلَتْ بِهٖ غَیْرُكَ يَا اللّٰهُ  
 فَرِّجْ مَا بَیْنَا وَ اَنْجِ طَلِبَتَنَا فَاِنَّكَ اَعْرَفٌ بِمَا جَا تَنَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ  
 و بعضی از علما گفته اند که این دعا از جهت رفع شداید و  
 بیماری در بیک مجلس چهارده نفر هر یک صد و یازده بار  
 بخواند که مجموع هزار و پانصد و پنجاه و چهار میشود و از برای  
 رفع فقر و فاقه و رفع عبرت و محنت و تنگدستی و بر طرف  
 شدن ضیق و بینوائی و زیارتی دولت و بجهت رسیدن وسعت  
 و بر طرف کردن اعداء و هلاکت ظالم و اهل ستم و غیر ذلك

۲۴  
 نماز  
 حاجت

۷۱ در بیان نماز حاجت

نماز بسیار مجرب است وایضاً نماز شب جمعه بعضی از علما  
حاجت روایت کرده اند که بجهت هر حاجت نصف شب جمعه برخیزد  
و در رکعت نماز گذارد و بعد از نماز هزار بار بگوید یا عجیب

نماز انچه مقصود است بعمل آید ایضاً نوع دیگر وارد شده

حاجت است که در شب جمعه یا در شب عبد اضحی دو رکعت نماز بکن  
و در هر رکعت سوره حمد بخوان چون بایاک تعبد وایاک  
نستعین برسد صد مرتبه این دو کلمه را مکرر بگوید پس حمد را  
تمام نماید و در بیت مرتبه سوره توحید بخوان و بعد از آن

سلام هفتاد بار بخوان لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ  
بی سجده رود و در بیت مرتبه بگوید یا رب و بعد از فراغ  
هر حاجت که دارد بطلبت از خدا البته انشاء الله بر آورده است  
و در بعضی نسخ دیده شد که یکبار سوره توحید بخوانند و  
هفت مرتبه ذکر رکوع و سجود را مکرر نمایند که مجرب است

وایضاً نوع دیگر هر که در نصف شب دو شنبه دو رکعت  
نماز کند و بعد در سجده هفتاد بار بگوید یا وهاب تو  
نکری یابد و هر حاجتی که دارد بر آورده خواهد شد البته  
وایضاً نوع دیگر بجهت قضاء حوائج و نجات مهمات در مدت  
دوازده روز هر روز وقت ضحی که دوشه ساعت از روز

بازرگانه

۲۷ نماز حاجت  
۲۸ نماز حاجت

در بیان خواص نماز حاجت ۷۹

برآمده باشد در گوشه خلوتی دوازده رکعت نماز بگذارد  
و در هر رکعتی بعد از حمد دوازده مرتبه سوره قل هو الله

بخواند و بعد از سلام هزار و دویست مرتبه بگوید یا بدیع  
و العجايب یا کثیر ارحمنی و مکرراتفاق افتاده که در همان روز

اول مطلب برآورده است و باقی ایام نیز بعمل بیاورد  
ایضا نوع دیگر از برای قضای حوائج دو رکعت نماز کرده

در عقبه دو هزار و سیصد و نود و چهار بار بگوید لا اله  
الا انت سبحانک اینی کنت من الظالمین بی شک مطلب

حاصل گردد ایضا نوع دیگر از برای قضای  
حوائج دو رکعت نماز بگذارد و در یک مجلس هزار بار بگوید

کهنعن اکنی جمعت ارحمنی سبحان القادر القاهر  
الکافی و در این خصوص نیز ادعای تجربه شده است

ایضا نوع دیگر هر که نصف شب برخیزد و دو رکعت  
نماز حاجت کند و سر بردارد و سیصد و نه مرتبه بگوید

ما شاء الله مراد او حاصل گردد  
ایضا نوع دیگر در مکارم الاخلاق آورده است که هر

کس را حاجتی باشد در صبح بخشنده به نیت آن حاجت

۲۹  
نماز حاجت

۳۰  
نماز حاجت

نماز ۳۱  
حاجت

نماز ۳۲  
حاجت

۸۱ در بیان نمازهای حاجت

دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره  
 معوذتین و اخلاص و قدر و آیه الکرسی و بیخ آیه از  
 ال عمران از اول کلمه اَنْ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ تَاكَلَمَةُ اِنِّكَ  
 لِاَعْلَفُ الْمِعَادِ بخواند و چون سلام دهد تسبیح فاطمه  
 زهرا بخواند و بعد بگوید مَوْلَايَ مَوْلَايَ اِنْقَطَعَ الرَّجَاءُ  
 اِلَّا مِنْكَ وَخَابَتِ الْاِمَالُ اِلَّا فِيكَ فَاسْئَلْكَ يَا اِلَهِي حَقِّي  
 مَنْ حَقُّهُ وَاَحِبُّ قَلْبِكَ مِمَّنْ جَعَلْتَ لَهُ الْحَقَّ عِنْدَكَ اِنَّ  
 تَصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي وَمَطْلِبِي

بخواند که البته حاصل است

وایضا نزع ریکر جهت هر حاجت دو رکعت نماز حاجت  
 بگذارد بعد از حمد سه مرتبه این ایه را بخواند اللهُ لَطِيفٌ  
 بِمِعَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ وچون  
 سلام دهد برپا ایستد و صدوسی و نه بار بگوید يَا  
 لَطِيفُ و بعد سجده کند و حاجت را از خدا بخواهد که  
 با حاجت مقرونست انشاء الله و تا سه روز صبر کند اگر  
 تاخیر در حاجت واقع شود باز دو رکعت نماز همان طریق  
 بگذارد و اسم لَطِيفُ را نهصد و سه مرتبه بخواند و مجربست  
 راوی گوید من خودم مجربیه کردم صحیحست اَنْ

۳۳  
نماز  
حاجت



# در بیان گشایش کارها

نصایح  
خواج

## فصل

در بیان قضا و حوائج و گشایش کارها و درونی

و در وقت و رسیدن آن از عالم غیب و از جای که در وهم و فهم نباشد  
 این کس در روز مستغانه اول بگردد بخواند بعد از آن این آیه کریمه  
 را بخواند **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ  
 لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ  
 قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا** و هزار و یکبار بخواند و در روز  
 مستغانه یکبار آخر نیز بخواند تا چهل و یک روز بوقت معین یابد  
 وقت صبح یابد وقت شب اما بهتر است شب و اثر این در  
 پنج و شش روز ظاهر شود که از غیب چیزی خواهد رسید و  
 آرنده را هیچ نه پرسد و مزاحم نشود که کیستی و کیجائی بعد از  
 فراغ چهل و یک روز هر روز اول و آخر در روز خوانده بعد هر نمازی  
 آیه مذکوره ده بار میخوانده باشد و اگر نتواند بعد از نماز بگردد  
 بخواند باشد و در روز مذکوره یکبار البته بوقت صبح بخواند  
 باشد اما این عمل در عروج ماه شد شروع کند و کرموانق  
 بروج باشد در آن وقت شروع نماید بهتر است و اله اعلم  
 نوع دیگر خواص آیه الکرسی عدد چهارده هزار و پانصد

۱۴۰۲  
رج ۲۰ از طبع و ۱۴۰۲

### در بیان خواص آیه الکرسی

و هفت چون این آیه کریمه در مربع بنکارند در ساعت مشتری  
 و قمر ناظر بسعد و در اینده این مربع ایمن کرد از ظلم سلطان  
 و قهر جاران محفوظ باشد از جمله بجزایات و کتایش کارها و  
 فتوحات را موثر است و شرط خواندن آنست که چون این مربع  
 بنکارند عدد اسم خود داخل کند و بعد از آن بنجاه نوبت بخواند  
 و بخورد بسوزاند و با کسی در آن حالت سخن نگوید چون شرط  
 بجا آورده باشد اثرهای غریب رونماید مثال این است

الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم	له ما في السموات وما في الارض من الذي يسبق عهده الايام	يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشئ من علمه الا بما شاء	وسيع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظها وهو العلي العظيم
يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشئ من علمه الا بما شاء	وسيع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظها وهو العلي العظيم	له ما في السموات وما في الارض من الذي يسبق عهده الايام	الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم
وسيع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظها وهو العلي العظيم	يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشئ من علمه الا بما شاء	له ما في السموات وما في الارض من الذي يسبق عهده الايام	الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم
له ما في السموات وما في الارض من الذي يسبق عهده الايام	الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم	يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشئ من علمه الا بما شاء	وسيع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظها وهو العلي العظيم

خانی

خواص  
آیه الرسول

خواص آیه أَمَّنَ الرَّسُولُ اگر کسی عدد این آیه کریمه بگیرد و در مربعی  
بنکارد که قرناظر بسعد باشد بعبادت سعد و از اسم خود عدد گیرد  
و داخل عدد آیه کند چون مربع تمام کرده باشد صد نوبت این آیه را  
در یک مجلس بخواند و بخور بسوزاند و در آن حالت سخن بکسی نکوید  
و چون این آیه مربع با خود دارد بدین آیه ملازم شود و ایمان بخواند  
اگر در ویش باشد توانگر گردد و اگر حقیر بود قوی گردد و بچشم خلایق  
عزیز و مکرم گردد و در فتوحات اثری عظیم دارد و حصول خدمت  
و منصب از نزد سلطان و غیره بجا آید تمت

خواص  
آیه قل اللهم  
مالک الملك

خواص آیه قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمَلِكِ تا بغیر حساب عدد بگیرد اگر  
کسی از منصبی افتاده باشد و یا منصبی بطلبید از عدد این آیه  
و عدد اسم آن شخص اضافه کند و در مربع ثبت کند بیاعت  
سعد و قر مسعود باشد چون نوشته شد بخور بسوزاند و هفت  
روز هر روز صد نوبت بخواند در حالت خواندن سخن نکوید روز  
و یا شب این عمل کرده باشد منصب و جاه و دولتش روی  
نماید و البته توانگر گردد و اگر عقب هر نمازی بخواند فتح و  
جمعیت روی نماید انشاء الله تمت

عدد مربع  
این آیه  
۱۶۸۸۵

خواص  
آیه لا اله الا الله  
هو العزیم

خواص آیه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اگر کسی این جمله را در مربعی بنکارد و بیاعت شمس و قرناظر

# ۸۴ در بیان خواص الم الله

بشمس باشد و بخورد سبوازند و این مربع را با خود نگاه دارد  
 در میان خلایق با حرمت و با هیبت باشد و چون کار و دشوار  
 بیش اید مربع یکشد و با خود دارد و این عدد بخواند و متوجه  
 آن امر شود و از نزد سلطان و غیره مهماتش کفایت کرد  
 و در چشم خلایق بزرگ نماید و اثری عظیم دارد اینست

الم الله	لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ	الْأَهُوَ	الْحَى الْقَيُّومُ
۱۲۷	۶۷	۴۳	۲۲۶
۴۴	۲۳۵	۱۳۸	۶۶
۲۳۴	۴۱	۶۹	۱۳۹
۶۸	۱۴۰	۲۴۳	۴۲

خواص این آیه آن الله و ملائکته  
 تا آخر آیه را عدد گیرد و عدد  
 اسم داخل کند چون قرناظر  
 بعدین باشد ساعت نیک  
 این عدد به ننگارد و بخورد سبورا  
 و در آن مجلس صد نوبت بخواند

چون برین آیه ملازم باشد و این مربع را با خود نگاه دارد  
 مقبول القول گردد و با هر کس که سخن گوید مطیع و فرمان  
 او شوند بشرطیکه با طهارت باشد و چون اسم خود و اسم  
 مطلوب را عدد گیرد و اضافه این عدد کند در مربع به ننگارد  
 و با خود نگاه دارد و بر این آیه ملازم شود محبتی عظیم روی نماید  
 ان کس منقاد او گردد انشاء الله  
 خواص آیه تاغشاه و عدد بگیرد و چون از شخصی خاصیت

خواص آیه تاغشاه  
 و عدد بگیرد

در بیان آیه ختم الله علی قلوبهم ۸۵

باشد و عدد اسم آن بگیرد و به عدد آن آیه اضافه کند و در مربع به  
نکارد چون فرورد روز باشد یا در سنبله و قمر ناظر بعدین باشد  
ساعت نیک و مربع با خود نکاهدارد و این آیه با اسم عدد و آن  
شخص بخواند البته زبانش بسته گردد و اگر خصمان جماعتی باشند  
عدد جمله را بگیرد باین عدد اضافه کند و در مربع ثبت کند و  
در شب سنک کران به نهد و نام خصمان به بر زبان جمله  
بسته کرد و هفت نوبت در آن ساعت این آیه بخواند

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَا هُمْ  
فَهُمْ لَا يَصِيرُونَ صَمًّا بَكْمًا عَمِيًّا فَهُمْ لَا يَعْطِلُونَ وَآخُتُوا  
فِيهَا وَلَا تَقَامُونَ وَمَشَاهَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقِيَوْمِ اِنْهَا  
هر يك این خواص دارند و اگر این جمله را عدد بگیرند و بنام  
خصمان اضافه کنند و در مربع ثبت کنند اثری عظیم رونمایند  
تا غایتی که کنک و لال شوند و این جمله از مجربات است جهت  
معد اللسان بسیار مفید است

خواص  
آیه  
لر انفتت  
خواص آیه لو انفتت برای محبت چون کسی ابتلای داشته باشد لر انفتت  
و خواهد آنکس را سخر خود سازد و عدد آیه لو انفتت ما فی  
الارضین جمیعاً ما الفت بین قلوبهم و لکن الله الف بینهم انه  
عزیز حکیم بگیرد و اسم طالب و مطلوب عجاب جل بگیرد بگیرد  
۲۲۶۹

### ۸۶ در بیان خواص لقد جاءك

واضافه عدد ایت کند و در مربع ثبت کند و هفت روز بعد

اسم مطلوب این آیه را بخواند و آن مربع را با خود دارد که بعد از

آن مطلوب مسخر او شود بِحَبِّكُمْ كَتَبَ اللَّهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا

اسْتَدْحَبًا لِلَّهِ وَالْقَبِيَّتِ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِنِّي لِيَتَضَعَ عَلَى عَيْنِي وَ

إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ابن جله مرید این خواص دارند اگر

این ابتهای جمع عدد گیرد و عدد اسم طالب و مطلوب اضافه

کند اثری عظیم دارد و روی نماید و آن شخص مسخر آن

کس شود و می باید که قرناظر برهه باشد و بیاعت

مشری و زهره اولی دانست و آیه تَتَيْنَ لِلنَّاسِ حَبُّ

الشَّهَوَاتِ مِنَ النَّارِ وَالنَّبِينِ وَالْقَنَا طِبْرَ الْمُقَطَّرَةِ مِنَ

الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ

ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ

همین عمل کند و از مجربانت لو انزلنا هذ القرآن تا بتفکرون

جست سرگردانی احققان و جباران چون اسم آن شخص اضافه

کند اسم عدد این کند و در مربع ثبت کند بیاعت موافق

مقصود حاصل شود و اثری عظیم روی دهد

خواص این آیه لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه

ما عنكم حريص عليكم بالمومنين رؤف رحيم چون

خواص این آیه لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه

خواص این آیه

خواص این آیه

در بیان خواص آیه وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ

خواهد که کسی را سحر خود کرداند بکیرد اسم خود واسم آن شخص  
 مجاب جل کیر و عدد این آیه در مربع به نکار و بیاعت موافق  
 و قرناظر السعدین باشد چون شب یکشنبه یا چهارشنبه  
 برسد چون مردم خفته باشند و صوب یادزد و دو رکعت نماز  
 گذارد در رکعت اول یکبار بگو سوره فاتحه و بیت زین لَقَدْ  
 جَاءَكُمْ بُحْرَانٌ و در رکعت دوم یکبار سوره الحمد و بیت بار  
 لَقَدْ جَاءَكُمْ نَاخِرَةٌ بِحْرَانٍ بچون سلام دار بیت بار صلوة  
 فرستد و بعد از آن سر سجده بعد و بیت بار بگوین یا رحیم  
 فلان ما مهربان من کردان چون این نماز گذارده باشد هر روز  
 که شود انکس مهربان کردد تا غائتیکه و صف نتوان کرد  
 خواص و مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ  
 لَا يَحْتَسِبُ چون کسی دست تک باشد و فقیر باشد عدد  
 این آیه مبارکه بکیرد واسم خود یا انکس و در مربع ثبت کند  
 بیاعت موافق و در عقب هر نمازی بعد اسم خود بخواند  
 و اگر نه تواند مجمل صغیر بخواند که حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ خداوند  
 سبحانه و تعالی در رزق و روزی بروی کشاد کرداند  
 و مربع را با خود دارد انشاء الله

خواص آیه وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ

خواص آیه قُلْ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ بِالنَّفْسِ

خواص آیه قُلْ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ بِالنَّفْسِ

۱۸ در بیان خواص آیه و عنده مفاع الغیب

وَاسِعٌ عَلِيمٌ يُخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ  
چون این آیه در مربع به نکارند بساعت مناسب و موافق  
و قرناظر سعدین در هر دو کان که بیاویزد کسرت معامله  
بیداشود و در خرید و فروش اثری تمام دارد و چون این  
آیه ورد سازد و برکتی در روز کار او بیداشود و مقبول

المقول گردد و خلاصی او را عزیز دارد والله اعلم

خواص این آیه و عنده مفاع الغیب لا یعلمها الا هو  
و تعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقه الا یعلمها ولا  
حبه فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الی فی کتاب

خواص آیه و عنده مفاع الغیب

مبین چون کسی خواهد که از حال خود و یا غایبی خبردار باشد  
یا از روز کار آینده خود که چه پیش خواهد آمد شب یکشنبه باشد  
یا شب چهارشنبه عدد این آیه بگیرد و عدد اسم خود و این جمله

۲۰  
۲۱  
۲۲

در مربع نگاه دارد و این آیه را در اطراف آن مربع بنویسد  
و هفت مرتبه این سوره را بخواند سوره و الشمس و بعد  
هفت مرتبه آیه و عنده مفاع الغیب بخوان و این مربع را در زیر  
سریه نهفت و در خواب رود و نبی که دارد باز گوید و در خواب  
رود روحانیان او را خبر دهند و حقیقت استعمال بدانند و  
اگر بیدار آمد ملازم شود غنی گردد و هر صباح که شود هر کس



# در بیان آیه نور السموات ۸۹

که باورسد سخنان غریب با و گویند و بسی عجایب از او ظاهر شود  
و اثر عظیم دارد و الله اعلم

خواص  
آیه نور  
السموات

خَوَاصُ آيَةِ اللَّهِ نُورِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَيْشْكُوفَةٍ  
فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ فِي رُجَاةِ الرَّجَاةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ  
يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ تُكَادُ  
رُؤْيُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهَا نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ  
لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ  
شَيْءٍ عَلِيمٌ چون کسی را در جسم کند عدد این آیه را بکیرد  
و عدد اسم الشخص در مربع بنکارد و قریباید که ناظر باشی  
باشد و بر میان سر بندد البته شفا یابد و روشنی چشم بیفراید  
و اگر در شرف آفتاب این مربع به نکارند و با خود نگاه دارد و  
تسخیر خلاق حاصل آید و علوم غریبه او را روی دهد و از  
سید شرف الدین حسین اخلاطی قدس الله منقول است

بیت

گر بخوانی آیه نور ای عزیز    در که اسراف حرف قاف کاف  
چاره بگرد که مضاف او کنی    در پس از چار طبع اختلاف  
که مواطب باشی اندر ضبط این    در در می چند ره روی در کوه قاف

خواص  
آیه  
سوره  
سوزنی

خواص معوذتین اگر کسی را بسته باشند این هر دو سوره بمیک  
و زعفران بنویسد در مربع و عدد اسم انکس بکیرد و اضافه

در بیان خواص حوامیم

کند چون با خود نگاهدار و بصحت مشغول شود کثاده کرد  
از جهت باطل السحر مجربیت هم بر این صورت که ذکر رفت و رسید  
و خیال ناسده را موثر است و شیخ ابو فرح چند آیتی در  
خواص این سوره ها فرموده است

خواص  
حوامیم

خواص حوامیم جمع حم و سواخ یعنی هر سوره ای که اول او  
سبح الله واقع است بدانکه این سریت از اسرار اولیا و الله  
و تسخیرات و کرامات و فتوحات ظاهر و باطن از مداومت این  
آیات است که بطهور می آید و درین اوراد غزایات و مجایبات  
ببیمار است و اختار آن کردن جایز نیست اما خواصی چند  
بمآرسیده باز میآیم چون کسی خواهد که باین آیات مشغول  
شود شرط اول آنست که بطهارت و تقوی و پرهیزکاری  
و پارسائی باشد چون این شرط ها مجآ آورده باشد ابتدا  
از روز یکشنبه کند بساعت اول و اسم خود مجمل کبیر بکیرد و  
ضافه عدد این تمبه کند و در مربع به نکارد هم مظهر و هم  
مضهر و مجور بسوزد و این آیه بعد آیه و اسم خود بخواند و  
این مربع را با خود دارد و هشت ساعت که از همین روز یکبار  
عدد آیه دیگر بکیرد و عدد اسم خود ضافه کند و در مربع به  
نکارد و بعد آیه و اسم خود بخواند و این مربع با خود دارد

و تا فر

و تا آخر هفته برین مثال تا چهارده مربع حاصل شود از حوامیم  
 و چهارده مربع حاصل شود از سواج بعد از آن برین آینه‌ها  
 صباح و مساء عصر نیز مشغول شود با این طریق که ذکر رفت چون ایام  
 بعد داسم بگذرد بعد از آن تنایج غریب از و بظهور آید و دلش روشن  
 گردد چنانکه از اولیا کبار شود و از مغنیان خبر دهد اگر فقیر باشد  
 غنی گردد اگر ضعیف حال بود قوی گردد روز کارش بگوشی از  
 دوا و نماند در عالم منتشر شود اما از شهوة کردن و حرام  
 خوردن و دروغ گفتن احتراز کند و چون بصدق و بصلاح باین  
 اورد مشغول شود کرامات از و بقبول آید و تسخیرات مخلوقات و  
 حیوانات او را حاصل شود تا مدت که بدین آینه مشغول نشود و  
 معلومش نگردد که چه خواص دارد و محبت عقد اللسان و غایب  
 شدن بر اعدا و فتوحات و هر چه طالب باشند درین آیاتها  
 میراست و این چهارده مربع باز نام تا بر طالب اسان کرد  
 و بدان ای عزیز که در هیچ کتاب هیچ یکی از مشایخ کبار این صورت  
 الحال نه نموده اند و قدر و حرمت این بدان و عزیز دار و از  
 نا اهل پوشیده دار این مثال است

در بیان مربعات چهارده

۹۲

منظور حم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ	اللَّهُ الْكَتَابُ مِنَ اللَّهِ	الرَّحِيمُ الْعَلِيمُ
الرَّحِيمُ الرَّحِيمُ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمُ	الرَّحِيمُ الْعَلِيمُ	اللَّهُ الْكَتَابُ مِنَ اللَّهِ
الرَّحِيمُ الْعَلِيمُ	اللَّهُ الْكَتَابُ مِنَ اللَّهِ	الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمُ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ	الرَّحِيمُ الْعَلِيمُ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمُ	اللَّهُ الْكَتَابُ مِنَ اللَّهِ

مربع مضمون تنزیل تا علیم مع تسبیح عدد دو هزار دو صد و چهل و هفت

۲۱۹۳	۲۱۹۶	۲۱۹۹	۲۱۸۵
۲۱۹۸	۲۱۸۶	۲۱۹۲	۲۱۹۷
۲۱۸۷	۲۲۰۱	۲۱۹۴	۲۱۹۱
۲۱۹۵	۲۱۹۰	۲۱۸۸	۲۲۰۰

۵۶۱	۵۶۴	۵۶۸	۵۵۴
۵۶۷	۵۵۵	۵۶۰	۵۶۵
۵۵۶	۵۷۰	۵۶۲	۵۵۹
۵۶۳	۵۵۸	۵۵۷	۵۶۹

۲۲۴۷

مثال منظور مربع الله تا بکل شیء علیم عدد مع تسبیح ۸۵۷۳ مضر

هشت هزار و نایصد و هفتاد سه عدد دارد ۸۵۷۳

مثال مظهر

الرحيم هو الاول والاخر والظاهر والباطن بكل شئ عليهم	الرحمن محي ويميت وهو على كل شئ قدير	الله الحكيم وهو العزيز الحكيم له ما في السموات والارض	بسم سبح لله ما في السموات والارض
الله الحكيم وهو العزيز الحكيم له ما في السموات والارض	بسم سبح الله ما في السموات والارض	الرحيم هو الاول والاخر والظاهر والباطن بكل شئ عليهم	الرحمن محي ويميت وهو على شئ قدير
بسم سبح الله ما في السموات والارض	الله الحكيم وهو العزيز الحكيم له ما في السموات والارض	الرحمن محي ويميت وهو على كل شئ قدير	الرحيم هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شئ عليهم
الرحمن محي ويميت وهو على كل شئ قدير	الرحيم هو الاول والاخر والظاهر والباطن بكل شئ عليهم	بسم سبح لله ما في السموات والارض	الله الحكيم وهو العزيز الحكيم له ما في السموات والارض

عدد ٤٤٧٧ مثال مضمحل ما يعلمون مع نسبة مضمحل

١١٢١	١١٢٤	١١٢٨	١١١٤
١١٢٧	١١١٥	١١٢٠	١١٢٥
١١١٦	١١٢٠	١١٢٢	١١١٩
١١٢٣	١٢١٨	١١١٧	١١٢٩

مثال مظهر ما يعلمون

## در بیان مثال مربع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	اللَّهُ كِتَابُ فَصَلَتْ آيَاتِهِ	الرَّحْمَنُ قَرَأْنَا عَرَبِيًّا	الرَّحِيمُ لَقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	اللَّهُ كِتَابُ فَصَلَتْ آيَاتِهِ	الرَّحْمَنُ قَرَأْنَا عَرَبِيًّا	الرَّحِيمُ لَقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	اللَّهُ كِتَابُ فَصَلَتْ آيَاتِهِ	الرَّحْمَنُ قَرَأْنَا عَرَبِيًّا	الرَّحِيمُ لَقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	اللَّهُ كِتَابُ فَصَلَتْ آيَاتِهِ	الرَّحْمَنُ قَرَأْنَا عَرَبِيًّا	الرَّحِيمُ لَقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

## مثال مظهر سبع الله تاعزیز الحکیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	اللَّهُ كِتَابُ فَصَلَتْ آيَاتِهِ	الرَّحْمَنُ قَرَأْنَا عَرَبِيًّا	الرَّحِيمُ لَقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	اللَّهُ كِتَابُ فَصَلَتْ آيَاتِهِ	الرَّحْمَنُ قَرَأْنَا عَرَبِيًّا	الرَّحِيمُ لَقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	اللَّهُ كِتَابُ فَصَلَتْ آيَاتِهِ	الرَّحْمَنُ قَرَأْنَا عَرَبِيًّا	الرَّحِيمُ لَقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	اللَّهُ كِتَابُ فَصَلَتْ آيَاتِهِ	الرَّحْمَنُ قَرَأْنَا عَرَبِيًّا	الرَّحِيمُ لَقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

مظهر

٧٥٢	٧٥٥	٧٥٨	٧٤٥
٧٥٧	٧٤٦	٧٥١	٧٥٦
٧٤٧	٧٦٠	٧٥٣	٧٥٠
٧٥٢	٧٤٩	٧٤٨	٧٥٩

مثال منظر حَسَنٌ تا عزيز حكيم

الرحمن والي الذي من قبلك	الله العزيز الحكيم	الله كذا لك يوحى اليك	حَسَنٌ
بِسْمِ حَسَنٌ	الله كذا لك يوحى اليك	الرحمن والي الذي من قبلك	الله العزيز الحكيم
الله كذا لك يوحى اليك	حَسَنٌ	الرحمن والي الذي من قبلك	الله العزيز الحكيم
الله العزيز الحكيم	الله كذا لك يوحى اليك	بِسْمِ حَسَنٌ	الله كذا لك يوحى اليك

حَسَنٌ

٧٧٩	٧٨٢	٧٨٦	٧٧٢
٧٨٥	٧٧٢	٧٧٨	٧٨٣
٧٧٤	٧٨٨	٧٨٠	٧٧٧
٧٨١	٧٧٦	٧٧٥	٧٨٢

حَسَنٌ

٨٢٢	٨٢٦	٨٢٩	٨٢٥
٨٢٨	٨٢٦	٨٢٢	٨٢٧
٨٢٧	٨٥١	٨٢٤	٨٢١
٨٢٥	٨٢٠	٨٢٨	٨٥٠

# ۹۶ در بیان برآمدن حاجات

مضر بیهتمم دالت الكتاب

۹۵۵	۹۶۸	۹۶۵	۹۶۲
۹۶۶	۹۶۱	۹۵۶	۹۶۷
۹۶۰	۹۶۳	۹۷۰	۹۵۷
۹۶۹	۹۵۸	۹۵۹	۹۶۴

مضر بیهتمم

۸۲۴	۸۲۸	۸۴۵	۸۴۳
۸۴۴	۸۲۱	۸۱۵	۸۲۷
۸۴۰	۸۲۳	۸۳۰	۸۱۶
۸۲۹	۸۱۷	۸۱۹	۸۲۴

مضر بیهتمم

۱۲۲۳	۱۲۳۶	۱۲۳۳	۱۲۲۰
۱۲۳۴	۱۲۲۹	۱۲۲۴	۱۲۳۵
۱۲۲۸	۱۲۳۱	۱۲۳۸	۱۲۲۵
۱۲۲۲	۱۲۴۶	۱۲۲۷	۱۲۳۲

مضر بیهتمم

۱۰۰۹	۱۰۲۳	۱۰۲۰	۱۰۱۶
۱۰۲۱	۱۰۱۵	۱۰۱۰	۱۰۲۲
۱۰۱۴	۱۰۱۸	۱۰۲۵	۱۰۱۱
۱۰۲۴	۱۰۱۲	۱۰۱۳	۱۰۱۹

مضر

بسم سبح اسم	الله الاعلى	الرحمن	الرحيم
الرحمن	الرحيم	بسم سبح	الرحمن
الرحيم	الرحمن	الله الاعلى	بسم سبح
الله الاعلى	بسم سبح	الرحيم	الرحمن

مضر بیهتمم تنزیل الكتاب

۵۷۷	۵۸۰	۵۸۵	۵۷۰
۵۸۴	۵۷۱	۵۷۶	۵۸۱
۵۷۲	۵۸۲	۵۷۸	۵۷۵
۵۷۹	۵۷۴	۵۷۳	۵۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم فائده برای برآمدن حاجات و جمع کارهای واهمه است در بروج ثابت و باروز ثابت بچشنبه و جمع و یکشنبه و روز چهارشنبه مابین است و برای دفع اعداء در روز شنبه و سه شنبه آغاز کردن است باید که اول غسل کند



دو گانه بگذارد و بعد ه این شکل که تسمیه یکبشبه است پیش خود  
 بدارد در صبحا رفته در روز و یا شب چون افتاب که در بروج  
 ثابت باشد برای فتح کارهای و برآمدن حاجات مهمات  
 و این شکل پیش خود بدارد و هر حاجتی که دارد فرو و این شکل  
 بنویسد بعد از غسل دو گانه و توجیه و از سر تجدید ایمان <sup>السلام</sup>  
 نازه کند بعد سه صد مرتبه درود بگوید انگاه با حضور  
 دل هفصد و هشتاد مرتبه تسمیه تمام بخواند بعد در  
 سجده رود هر حاجتی که فرو و شکل نوشته است از حق تعالی  
 برای برآمدن حاجات بخواند بکرم الله تعالی حاجت  
 و مراد او برآید و در خواندن با کسی متکلم نکند و اگر  
 بکند باز از سر گیرد و تکبیر تسمیه ایت

وقف ۷۴ و ۲۱۹

بسم ۱۰۲	الله ۶۶	الرحمن ۲۲۹	الرحیم ۲۸۹
الرحمن ۲۲۹	بسم ۱۰۲	الله ۶۶	الرحیم ۲۸۹
بسم ۱۰۲	الله ۶۶	الرحمن ۲۲۹	الرحیم ۲۸۹
الرحمن ۲۲۹	بسم ۱۰۲	الله ۶۶	الرحیم ۲۸۹

بسم ۱۰۲	الله ۶۶	الرحمن ۲۲۹	الرحیم ۲۸۹
الرحمن ۲۲۹	بسم ۱۰۲	الله ۶۶	الرحیم ۲۸۹
بسم ۱۰۲	الله ۶۶	الرحمن ۲۲۹	الرحیم ۲۸۹
الرحمن ۲۲۹	بسم ۱۰۲	الله ۶۶	الرحیم ۲۸۹

بسم الله الرحمن الرحيم اما وقف العددی فی تکبیر الکلمات

در بيان دفت اعداد

له من الفوائد في لم يكن شرح وله من المنافع المنافع والبركة  
 حاملاً عليها الله تعالى بسم الله الرحمن الرحيم

٢٥	٢٠	٢٧
٢٦	٤٤	٢٢
٢١	٢٩	٢٤

مضرب بسم حم تنزيلي

بسم	الله	الله	بسم
٨	٤٢	٤٤	١
بسم	الله	الله	بسم
٤٥	٢	٤	٤٤
الله	بسم	بسم	الله
٣	٤١	٤٤	٤
الله	بسم	الله	بسم
٤٢	٥	٤	٤٧

مضرب سبع يا عظيم

١٠١٥	١٠١٨	١٠٢٦	١٠٠٨
١٠٤٩	١٠٠٩	١٠١٤	١٠١٩
١٠١٠	١٠٢٨	١٠١٦	١٠٣٣
١٠١٧	١٠١٢	١٠١١	١٠٢٧

١٢٢٤	١٢٢٧	١٢٢٢	١٢١٧
١٢٢٢	١٢١٨	١٢٢٣	١٢٢٥
١٢١٩	١٢٢٥	١٢٢٥	١٢٢٢
١٢٢٤	١٢٢١	١٢٢٠	١٢٣٤

٢	١	٤	٣
٢٩	٤١	٢٩	٢
٥٨	٢٢	٣	٣٨
٤	٢٧	٥٩	٤١

ع	ف	ا	ن
٥	٤٤	٤٩	٨١
٥٢	٨	٧٨	٤٣
٧٤	٤٧	٥٢	٧



ق	۵	۱	۷
۱۳	۱۱۴	۲۵	۳۷
۷۲	۷۷	۹۰	۶۷
۴۴	۱۱۰	۱۹۰	۲

ف	۱	۷	
۲	۱۹۹	۱۰۰۱	۷۹
۲۰۲	۳	۷۸	۹۹۸
۷۷	۹۹۹	۲۰۱	۴

فضل در قواعد چند در مربع  
بصورت مظهر اما منقول  
است از اکابر که نود و نه  
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام  
در وفق مربع نکاشته اند

ف	ت	۱	ح
۲	۷	۸۱	۳۹۹
۱۰	۳	۳۹۸	۷۸
۳۹۷	۲۹	۹	۴

و این وفق مظهر راست است که از عمل اوست و اقطار مربعات  
و فکش هر طلع نه هزار و چهار صد و سی و دو و مجموع اضلا  
عش سی هزار و هفتصد و بیست و هشت عدد است که خواص این  
مربع است که چون اقطاب در شرف باشد این مربع بر نکارند  
بر صحیفه نوقایا کاخذ دارند ازین مربع عزیز باشد بنظر  
سلطان و بزرگان و محفوظ باشد از شر ظالمان و از جهة  
صحة بیماران و در همه کاری فایده دهد خاصه خواندن  
و شکل برین مثال است

در بیان دفت اعداد ۱۰۰

المفتاح العلم القابض البسيط المغز الاول الرابع ۲۳۳۵	المصور القطار الوهاب الرزاق ۲۴۰۰	العزيز الجبار المتكبر الخالق الباري الشيع الحادي ۲۳۲۳	هو الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم الملك القدوس سلام موسى اليمن ۲۳۷۲
الرحيم النعم الخي القوي المبدئ المعيد الخي الواحد الديار المحصي ۲۳۶۲۰	الشهيد المعيت الولي المقيد الجليل النبي التيغ الوالي بد ۲۳۵۸	المثل الاخر البصير النورا ۲۳۵۳	الحافظ الجليل الجيب الواسع العلم المقسط الصمد المتوحد ۲۳۰۱
الخبير الوارث البر المقدم الباطن المحصى ۲۳۰۱	الحفيظ المقدر الروف الباقي اللطيف ۲۳۳۱	الشكور الكريم الوفي الباعث الاخر ۲۳۹۰	الغفور العاد الوكيل القيوم العز الجيد المحيط ۲۳۱۰
الكبير المتعال الماجد الاحد المسبب المتعال مالك الملك ذو الجلال والاكرام ۲۳۳۵	المهيت الطاهر الجامع التواب ۲۲۴۳	الضار الفنى الحكيم الحكم العدل ۲۳۶۶	المتقى الرقيب الرشيد الصبور ۲۳۴۸

ح	ل	و	ا
۲	۷	۲۵	۱۱
۱۹	۳	۱۰	۱۲
۱۶	۵	۴	۲۰

ب	ص	ن	ج
۸۸	۱۱	۵۶	۱۰۰
۹	۴۰	۱۴۸	۵۸
۱۵۶	۴	۱	۹۴

فصل بسم الله الرحمن الرحيم بدان ايدك الله تعالى  
طريق خواندن سوره فاتحه الكتاب براي برآمدن جمله

وکل

طابت

## در بیان طریقی خواند سوره فاتحه ۱۰۱

حاجات و جلب قلوب اول باید که نیت شرایط ارقام به جا  
 کرده تمام فاتحه را در روز آن آیه را با این عدد بخواند تا اخر  
 اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَبَسَ فِي السَّمَاوَاتِ دَوْرَاتٍ وَلَا فِي الْأَرْضِ عَمْرَاتٍ  
 وَلَا فِي الْبِحَارِ قَطْرَاتٍ وَلَا فِي الْجِبَالِ مَدْرَاتٍ وَلَا فِي الْأَشْجَارِ  
 وَرَقَاتٍ وَلَا فِي الْأَجْسَامِ حَرَقَاتٍ وَلَا فِي الصُّوْنِ لِحَاظَاتٍ  
 وَلَا فِي النَّفُوسِ خَطَرَاتٍ إِلَّا وَهِيَ بِكَ عَارِفَاتٌ وَلَكَ مَنَاقِبَاتٍ  
 هِدَاةٌ وَعَلَيْكَ دَلَالَاتٌ فِي الْمَلِكِ مُسْتَعْرَاتٌ يَا لِعَدْرَةِ  
 الَّتِي سَحَرَّتْ بِهَا أَهْلَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ سَحْرِي قُلُوبِ

المخلوقات ضم کرده بخواند و در هفته دوم اعداد آیه مدروج

بند مذکور بخواند همچنین تا هفت هفته بخواند بعد نیت

حاجت ارقام آیه فاتحه آیه اول ۵۸۲ آیه دوم ۶۱۸

آیه سیم ۲۴۴ آیه چهارم ۸۳۶ آیه پنجم ۱۰۷۳

آیه ششم ۱۸۰۷ آیه هفتم ۴۳۵۳ هر آیه را در روز

آن این را بخواند اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَبَسَ سَحْرِي قُلُوبِ الْمَخْلُوقَاتِ

تا آخر ضم کرده بخواند هفتاد بار با هفتصد مرتبه بخواند اسرع

بود و در فاتحه هر روز هفتاد بار یا هفت نواهدار و طریقی خواند

اینست يَوْمَ الْاِحْدِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

اِحْبَبْ يَا رُوْبَائِلِي سَهْنًا بَطِيْنًا بِحَقِّ الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

١٠٢ در بیان طریق خواند سرود ناخته الكتاب

وَيَحْيِي الْحَيَّ الْقَيُّومَ وَيَحْيِي مَلِكَ أَمْجَدِ يَوْمِ الْاِثْنَيْنِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ  
 يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَوْفُ يَا عَطُوفُ أَحِبُّ يَا جَبْرَائِيلُ سَمِعًا  
 مَطِينًا يَحْيِي الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الرَّؤُوفَ الْعَطُوفَ وَيَحْيِي هَوْرًا ح  
 يَوْمَ الْثَلَاثَا مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ أَحِبُّ يَا  
 سَهْمًا يَبْلُ سَهِيْقًا مَطِينًا يَحْيِي مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ وَيَحْيِي  
 مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَيَحْيِي مَلِكِ طَيْكَلْ يَوْمِ الْاَرْبَعَاءِ اِيَّاكَ  
 نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ يَا سَرِيْعُ يَا قَرِيْبُ يَا مَعْبُودُ أَحِبُّ  
 يَا مِيكَائِيْلُ سَمِيْعًا مَطِيْعًا يَحْيِي اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ  
 وَيَحْيِي السَّرِيْعَ الْقَرِيْبَ الْمَعْبُودِ الْمُسْتَعَانِ وَيَحْيِي مَلِكِ مَنَعِ  
 يَوْمِ الْخَمِيْسِ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ يَا قَادِرُ يَا مُقَدِّرُ  
 أَحِبُّ يَا عِيْسَى يَبْلُ وَيَا اسْرَفَابِيْلُ سَمِيْعًا مَطِيْعًا يَحْيِي اِهْدِنَا  
 الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ وَيَحْيِي الْقَادِرَ الْمُقَدِّرَ وَيَحْيِي مَلِكِ فَصْحَرِ  
 يَوْمِ الْجُمُعَةِ صِرَاطِ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ يَا اَللَّهُ يَا حَلِيْمُ  
 يَا حَلِيْمُ أَحِبُّ يَا كَسْفِيَابِيْلُ سَمِيْعًا مَطِيْعًا يَحْيِي صِرَاطِ الَّذِينَ  
 اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ وَيَحْيِي اَللَّهُ الْحَكِيْمُ الْحَلِيْمُ وَيَحْيِي سَنَحِ  
 يَوْمِ السَّبْتِ غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّيْنَ يَا قَائِمُ  
 يَا عَزِيْزُ أَحِبُّ يَا عِزْرَائِيْلُ سَمِيْعًا مَطِيْعًا يَحْيِي غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ  
 عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّيْنَ وَيَحْيِي قَائِمُ الْعَزِيْزُ وَيَحْيِي مَلِكِ

در بیان طریق دعوت کتاب <sup>فاطمه</sup> ۱۰۳

دَصْنُطِغَ الْمُؤَكَّلِ بِالْقَائِمَاتِ الْفَرُشِيَّةِ الْكَرْمُجِدِ فَاتَّخَذَ دَرْمِيَانِ  
 سُنْتَ وَفَرِيضَةَ فَجْرٍ بِأَعْوَدٍ وَتَسْمِيَةَ جُنَائِحِهِمْ تَسْمِيَةَ بِالْإِمَامِ الْحَمْدِ  
 مُتَّصِلٌ شَوْدٍ وَجَهْلٍ وَبِكِبَارٍ يُجَوِّدُ وَبِرُحْمٍ مَرِيضِي بِدَمْدَمِ شَفَاءِ  
 يَابِدٍ وَكَرْهِيْنَ تَرْتِيبٍ وَبِهَيْبِ عَدَدٍ بِرَأْيٍ وَسَعْتِ رَزَقٍ أَوْ  
 فَرَاخٍ كَرْدٍ وَجَوَانِدٍ وَبِرَأْيٍ وَسَعْتِ رَزَقٍ دَهْ بَارٍ بَعْدَ زَهْرٍ نَمَازِ  
 فَرِيضَةَ جَوَانِدٍ بِرَأْيٍ بِرَأْمَدِ نَ حَاجَاتِ دِينِي وَدُنْيَوِي وَمَشْهُورِ  
 أَعْدَاءِ ظَاهِرِي وَبَاطِنِي دَرِ شَبِّهِرِ مَاهِ صَدِّ بَارٍ جَوَانِدٍ بِرَأْيِ  
 فَرَاخِ رَزَقٍ بَعْدَ زَدِيدِ نَ هَرِ مَاهِ هَرَارِ بَارٍ جَوَانِدٍ بَعْدَ زِ  
 اِتْمَامِ وَرَدِّ جَهْلٍ بَارٍ جَوَانِدٍ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ  
 السَّمَاءِ وَبَيْتٍ بَارٍ وَمِنْ يَتَّقِ اللَّهَ تَأَقَّدًا جَوَانِدِ  
 دُنْيَا وَاهْلِي أَنْ بَدُو مَتَوَجِّهٍ كَرْدٍ وَكَرْهِ شَبِّ جَمْعِ جَهْلِ  
 وَبِكِبَارٍ جَوَانِدِ نَضِيبِ أَوْ رَزَقِ طَيِّبِ أَوْ كَرْدٍ وَازْغَمِ وَهَمِ  
 رُودِ بَرَهَنْدِ بَايِدِ كِهْ بَعْدَ اِتْمَامِ وَرَدِّ يَا خَفِي الْإِلَاطَاتِ  
 بِرِجَالِ الْأَعْرَافِ أَدْرِكُنِي فِي وَقْتِي هَذَا وَبِحَبْنِي فَمَا أَخَافُ  
 يَا مُفْتِيحُ فَيْحُ وَيَا طَيِّفُ الطِّفْلِ لِي وَبِوَالِدِي فَمَا تُحِبُّ وَ  
 وَتَرْضَى بِرُحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

طریق  
 دعوت  
 فاطمه کتاب

طریق دیگر بسند معتبر دعوت فاطمه کتاب برای برآمدن  
 جمله حاجات فاطمه را هر روز صد بار بخواند و بعد از اتمام

## ۱۰۴ در بیان طریق دعوت فاتحه کتاب

این دعا را یکبار بخواند و در همین خواندن از جای برخیزد و با کسی سخن نگوید ایضاً بسند معین برای برآمدن جمیع حاجات روز جمع شصت و دو بار و روز شنبه پنجاه و دو بار و روز یکشنبه چهل و دو بار و روز دوشنبه سی و دو بار و روز سه شنبه بیست و دو بار و روز چهارشنبه دوازده بار و روز پنجشنبه هفت بار فاتحه را بخواند و هر روز بعد از اتمام یکبار دعا را بخواند ایضاً بسند دیگر برای برآمدن حاجات بعد از ادای نماز فجر بیست و یکبار و بعد از نماز ظهر بیست و دو بار بخواند و بعد از عصر بیست و سه بار و بعد از نماز مغرب بیست و چهار بار بخواند و بعد از نماز عشاء ده بار بخواند و بعد از اتمام دعا را یکبار بخواند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَمْدًا يَفُوقُ وَ يَفْضُلُ حَمْدَ الْحَامِدِينَ حَمْدًا يَكُونُ لِي رِضًا وَحِفْظًا حَمْدًا رَبِّ الْعَالَمِينَ وَوَجْهَةً عِنْدَ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ الرَّحْمَنُ أَحْسَنُ الْإِقَالِمِ وَخُصَّ مُوسَى الْكَلِمِ وَأَخِي الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِهَذَا فِي أَسْمَانِ عَظِيمَانِ حَبْلَانِ سَفَاؤَكَ وَبِكُلِّ سَقِيمٍ مَا لَكَ يَوْمَ الدِّينِ لَا مَنَارِعَ لَهُ



فِي الْمَلِكِ وَالْأَقْرَبِينَ وَلَا يُدِيرُ لَهُ وَلَا مَبِينٌ بَلْ كَانَ قَبْلَ د  
 حُورِهِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ فَهَوَّأَ حَاطِطِي مِنْ جَمِيعِ الشَّيَاطِينِ  
 الْمَخْلُوقِينَ مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ وَعَوَدَ لِي عَلَى الْأَقْرَبِينَ  
 وَالْأَبْعَدِينَ وَوَجَّهِي عِنْدَ أَجْنَاسِ الْمُخْتَلِفِينَ أَنَّكَ نَفِيذٌ  
 بِالْأَقْرَاءِ وَتَسْتَرَفٌ بِالتَّقْصِيرِ وَتَسْتَغْفِرُونَ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ  
 وَالْأَدْرَارِ وَتَشْهَدَانِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ  
 لَكَ وَتَشْهَدَانِ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّكَ تَسْتَعِينُ  
 تَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى أَحَدٍ حَاجِئٍ وَأَمْرٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا وَ  
 الدُّنْيَا أَهْدَانَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ  
 عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ  
 غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ مِنَ الْيَهُودِ وَ  
 النَّصَارَى يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي آمِينَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ  
 فائده عدد ۱۱۷۰ یا مدال ۷۷۰ یا سمیع ۱۸۰  
 یا بصیر ۳۰۴ یا جبار ۲۰۶ یا قادر ۳۰۵ یا قاهر  
 ۴۰۶ یا قهار ۳۰۶ یا منتقم ۳۰۷ و نصف عدد  
 بدوخ کرده باشد بکیرد خواص یا مغر و غیره اینست اگر  
 تمام عالم بدشمنی او بکجا شوند و حامل این نقش را  
 بشند نتوانند و آنکس بر هر که رود غالب گردد و با هر که

## ۱۰۶ خواص سورة نبت

که سخن گوید دوست او شود و هیچکس مخالف نتواند کرد  
 و عدد یا معز یا مدل یا سمیع یا بصیر یا جبار یا قادر یا قاهر  
 یا فقار یا مستقم و نصف عدد بدوح کرده باشد اینست

۲۲۰	۲۸۳	۲۸۲	۲۸۱	۳۱۶	۳۲۱	۳۲۲	۳۲۳	۳۸۴
۳۱۹	۳۲۳	۳۶۸	۳۶۷	۳۳۰	۳۳۴	۳۳۵	۳۶۹	۳۷۷
۲۱۸	۳۲۲	۳۴۲	۳۵۷	۳۴۰	۳۴۳	۳۵۸	۳۶۴	۳۷۸
۳۱۷	۳۳۱	۳۴۱	۳۴۵	۳۵۰	۳۴۹	۳۵۵	۳۶۵	۳۷۹
۳۸۸	۳۷۱	۳۸۹	۳۴۸	۳۴۵	۳۴۴	۳۴۶	۳۲۴	۳۰۸
۳۸۷	۳۷۹	۳۵۹	۳۴۷	۳۴۶	۳۵۱	۳۲۷	۳۲۵	۳۰۹
۳۸۶	۳۷۰	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۹	۳۵۶	۳۵۳	۳۲۶	۳۱۰
۳۸۵	۳۲۷	۳۲۸	۳۲۹	۳۶۹	۳۶۴	۳۶۱	۳۶۳	۳۱۱
۳۱۳	۳۱۳	۳۱۴	۳۱۵	۳۸۰	۳۷۵	۳۷۴	۳۷۲	۳۷۶

فائده خواص سورة نبت معکوس در هر جا شرح آمده  
 است از این جهت اینجا شروع نشاخته که هر کسی تحقیق  
 این رسد و کاروان بطریق که مشهور است در باقیه

در عمل

فائده خواص سورة بصیر

# در بیان خواص سوره نبت ۱۷

در عمل می آورده باشد هر دو نقش را در یابد

د	س	ه	ك	م	ل	ب	ح	ا
ه	د	ی	ج	ی	ف	ب	ط	ح
ل	ا	ا	ل	ا	م	ح	ه	ت
ا	ر	م	ا	و	ب	ه	ل	ت
ا	ز	ا	ر	ا	ك	ی	ل	ص
ی	س	ب	س	ك	ا	م	و	ه
ل	ا	م	ه	ن	ع	ی	ن	ع
ا	ا	م	ب	ت	و	ب	ه	ل
ی	ب	ا	ا	د	ی	ت	ب	ت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَتَسْتَمْلِحُ اَهْدِ مَجْفِیْطِ لَآءِ لَآ  
 سَهْ تَحْهَدُ اَرْمَا وَبَهْلِنَ اِذَا رَا نِیْلَصُ یَسْبِکَا مِوَةَ لَآ  
 مَهْتَعِیْعَ اَمْنِوِجِیْلِ نَبَا اَرْنَبِتِ اِبْنِ هَرْدُو نَقْشِ  
 عَدْدِی وَهَرَفِی رَابِتْ بَه نَبِتْ تَوْشَهْ هَرْكَارِی وَعَمَلِی

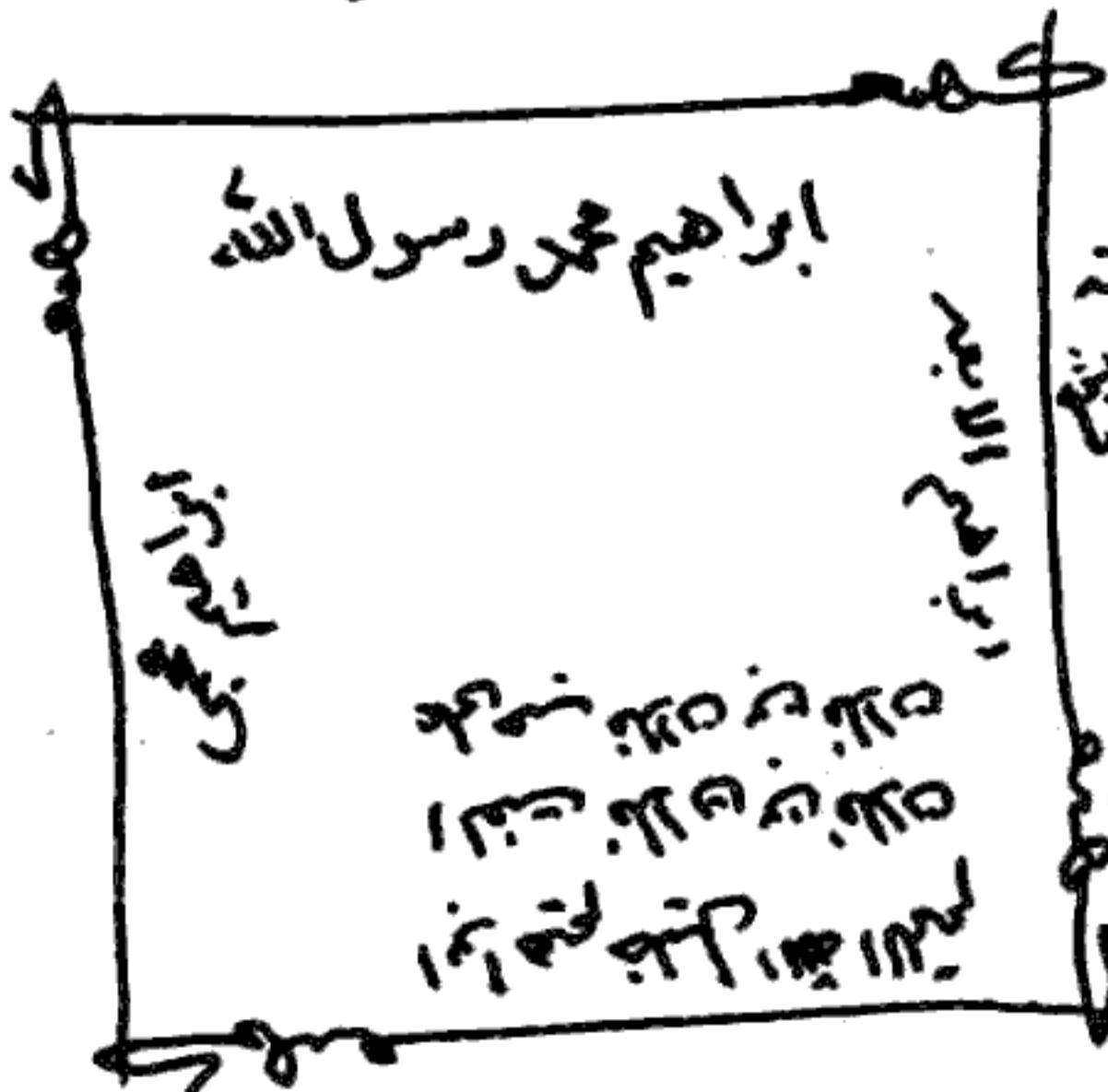
# ۱۰۸ در بیان فوائد بعضی از ادعیه

که از عقب و غیره و خواهد که عمل آن بکند باید که اعداد اسم عدد و با عدد سوره عدد جمع کرده بعمل آرد بعد از عمل بموافق آن اعداد این اسماً بخواند بمجربل بموصول انجامد عملش چند وجه هست که دفن در کور کهنه و انداختن در حلقوم زاغ و غیره است که مجرب بلا شك و شبیه هر دو نقش اند نمت فائده در چشم اگر کل افتاد

۴۴۴	ع	ح	ن
عدد	و	ص	سو
ر	ه	م	ر

باشد این نقش را نوشته در بازو راست بندد و اگر چهل ساله باشد دفع شود اینست فائده بستن خواب بنویسد این کرونامه را بر کاغذ سفید و بر سر خود دارد و چند روز

همین کند خواب بسته شود و سرگردان شده بیاید اینست



فائده برای بستن دمار تیغ بر ساعت عطار دوشسته بر کلو کوسفند بر بندد و از ما کند تیغ بروی کار نکند بقدرت خدا بیغالی و موی بریده نشود این است



# در بیان بعضی از ادعیه مجربه ۱۰۹

نوع دیگر برای بسف دهان  
تیغ بر ساعت عطار در نوشته  
با خود دارد و تیغ بروی  
کار نکند نقش اینست

ع	ط	۷	۷
ع	ط	ط	۸
م	۶	ن	۲
ع	بط	ص	ع

۸	۷	۷
۱	۲	۲
ع	ط	۶

نوع دیگر برای تیغ بندی بر  
ساعت عطار در نوشته بر بازوی  
بند بروی تیغ کار نکند نقش  
این است

ع	ک	۷	ک
ع	ح	ک	۱
م	۶	د	۲
ر	ک	ص	ع

ایضا اگر کسی را مار کزیده  
باشد یا مسک دیوانه بکزد  
سر جلد این علما این عزیمت  
را بنویسد خوردن دهد  
در حال صحت باید و عزیمت

و	ن	ج	ا
ک	ا	و	ب
ه	ن		ح
بو	ب	ح	ع

اینست این شکل  
نوع دیگر اسنار نقش طلسم  
هر که با خود دارد از جمله بلاها  
و آفت ها و بار قویج و بار باسوه





# ۱۱۲ در بیان ادعیه متفرقه

رفع  
خجسته  
شماره  
کان

ایضاً نوع دیگر جهت دفع غوست ستاره‌کان اگر کسی را  
سخت پیش آمد باشد و بختی کم طالع گرفتار شده باشد  
دهیچ وجه روز کار نیک اتفاق نکند و در شرف شمس  
ساعت سعد در عروج ماه بنویسد پیش خود نگاه دارد  
روز افزون گردد از فتوح ایام بهر در کرد معمول است  
خصوصاً کشودن بخت دختران نقش اینست

۶۶ ۷۵	۶۶ ۷۸	۶۶ ۸۶	۶۶ ۶۸
۶۶ ۸۵	۶۶ ۶۹	۶۶ ۷۴	۶۶ ۷۹
۶۶ ۷۰	۶۶ ۸۸	۶۶ ۷۶	۶۶ ۷۳
۶۶ ۷۷	۶۶ ۷۲	۶۶ ۷۱	۶۶ ۷۷

برای  
حافظه

ایضاً دیگر روایت است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام  
اگر کسی را فهم علم نباشد باید که این دعا را هفت روز مدام  
بخواند هر چه فراموش کرده باشد انشاء الله تعالی باز گردد  
اللهم قلبي محبوب وعقالي مغلوب ونفسي معيوب وطاعتي  
قليل ومعضني كثير ولساني مقر فكيف خيلتي يا ستار  
العيوب يا علام الغيوب اغفر لي ذنوبي كلها يا ستار  
برحمتك يا ارحم الراحمين

دبیر



## در بیان محبت والفت ۱۱۳

دَبِ بَسْمِ وَ تَمِّمَ بِالْخَيْرِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَضْلٌ أَوَّلٌ دَرِ مَحَبَّتِ  
 دَوِّمِ دَرِ بَعْضِ سَبِّمِ دَرِ عَقْدِ النُّوْمِ چَهَارُمِ دَرِ عَقْدِ الرَّجْلِ  
 نَهْمِ دَرِ عَقْدِ النَّظَرِ شَشْمِ دَرِ عَقْدِ الطَّرِيقِ هَفْتَمِ دَرِ فِخِ الرَّجْلِ  
 هَشْتَمِ دَرِ كَشَاشِ كَارِهَائِی بَسْمِ نَهْمِ دَرِ دَفْعِ كَرْدَنِ خَصْمَانِ  
 دَهْمِ دَرِ مَحَبَّتِ اَنكَندَنِ مِیَانِ اَزْوَاجِ

فَضْلٌ أَوَّلٌ دَرِ مَحَبَّتِ چُونِ خَوَاهِی كِه كَسِی رَا دَرِ مَحَبَّتِ خُورْدَنَ اَز  
 چِنَا نَكِه بِلِکْخَطِه بِنُو نَتَوَانَدِ بُوْر بَكِیْرَ نَامِ اَنكَسِ كِه مَطْلُوْ اَبِت  
 بَا نَامِ مَادَرِشِ وَ نَامِ خُورْدِ بَا نَامِ مَادَرِ خُورْدِ بِحَسَابِ اَجْمِدِ جَمْعِ كُن  
 وَايْنِ اَعْدَادِ رَا بَرَانِ اَضَافَه كُن ۵۵۰ كِه دَرِ اِيْنِ اَعْدَادِ سِتْرَ اَت  
 اَزِ اسْمِ رَا اَلْمَیْ بِقَوْلِی دِیْكَرِ مَجْمُوعِ رَا بِطَرِيقِ اسْمِ اِيْنِ اَعْدَادِ  
 اَضَافَه كُن ۶۰۲ بعد در موم عروسی بگیرد بشرط مذکور  
 نَكْمَدَارِدِ اَنكَسِ رَا اَزْ غَلْبِیْهِ مَحَبَّتِ سَبِّمِ هَلَاكِ نَابَشْدِ نَابَدِ كِه مَثَكِ  
 نَدَارِدِ كِه بَسْمِ كَفْرِ اسْتِ اَزِ اَنَكِه اَسْمِعِ اَزِ اسْمَاءِ اَعْظَمِ اسْتِ كِه دَرِ اِيْنِ  
 دَرِجِ اَرْدِه اَمَّا اَحْتِیَاطِ شَرْطِ اسْتِ دِیْكَرِ مَحَبَّتِ بِنُوِیْسِ دَرِ  
 رُوزِ دُوشَنَبِه بِقَوْلِی رُوزِ یَكْشَنَبِه بِسَاعَتِ شَمْسِ دَرِ ثَلَاثِ زَهْرَه  
 یَا قُرْدِ رُفُوسِ نَابَشْدِ بَهْتَرِ بُوْر اَسْمَاءِ مِیْهَازِ اَحْسَابِ كَرْدِه بُوْ اَعْدَادِ

## ۱۱۴ در بیان محبت و اعدادان

اسامی باین اعداد را اضافه کن  $\overline{۴۰۲۰}$  بر ورق آهو بمشک  
 وز عفران و کلاب در وقت کتابت عود و لادن بخور کند و شرط  
 مذکور را نکهد ارد و مقصود چنانچه در الحزاه است بوجه احسن  
 حاصل شود دیگر چون افتاب در جوزا باشد روز شنبه بوقتکه  
 افتاب طلوع کند بر سر اعداد اسامی این اعداد را اضافه کن  
 $\overline{۱۲۰۰}$  و بویس در خانه بیا و بزد جائیکه او را باد بچیناند و قدری  
 نفل بخور کند آرام و قرارش نماید و این لوح بغایت عزیز است  
 و حکماء هند این لوح را تالیف القلوب گفته اند دیگر بویس  
 وقتیکه قمر در اید باشد افتاب بنظر تثلیث بادی ناظر و بر سر  
 اعداد را اضافه کن  $\overline{۴۰۶۰}$  و بشرط مذکور نکهد ارد و در وقت  
 کتابت صندل و لادن و عود سیاه بخور کند بدل و جان مهربان  
 شود دیگر وقتیکه قمر بعدین ناظر باشد و از غمین ساقط  
 و بر سر اعداد اسامی این اعداد اسامی این اعداد را اضافه کن  
 $\overline{۱۰۴۸}$  و بخور و عود و عنبر بگند و شرط مذکور نکهد ارد دیگر  
 در وقتیکه افتاب در شرف شد بر نیکین انکشتی نقش کند  
 و بر سر اعداد اسامی این عدد را اضافه کن  $\overline{۵۰۶۱}$  و در

انگشت کند مقصود بروری حاصل شود اما باید که انگشتری  
 را باک نکهدارد و بقیه دان که اسم عظیم است دیگر روز پنجم  
 بمشک و زعفران و کلاب بنویس و بر سر اعداد اسامی این  
 اعداد را اضافه کن ۱۰۰ و شرط مذکور را بگذارد و جذب  
 القلوب گویند این مربع را در وقت کتابت عود و عنبر کشته  
 بخور کند ساعت زهره که قمر یا مشتری تثلیث باشد و شرط  
 مذکور نکهدارد و بحجت اثر عظیم دارد

فصل دوم عقد اللسان

فصل دوم در بغض و عقد اللسان اگر کسی را خصم  
 فزی باشد و از وی خایف باشد باید که بنویسد بر ورق اهو  
 بر سر اعداد اسامی این اعداد را اضافه کن ۹۸ و بقوی  
 ۴۱۴۹۸ در روز چهارشنبه بوقت بوقت افتاب در موم  
 گیر در خانه خصم دفن کند مطلوب حاصل شود و اگر در کراه  
 بندد زیار خصم بسته کرد بعون الله تعالی دیگر بستان ورق  
 اهو بر روز پنجشنبه یا چهارشنبه یا دینه یا یکشنبه در ساعت و  
 عطارد چون قمر در ثور باشد یا در اسد قمر در مشتری و زهره  
 ناظر و نظر سعد باشد بنویسد بر سر اعداد اسامی این اعداد

۱۱۶ فصل سیم عقد النوم

اضافه کن ۱۲۰۱۰ بر سر مذکور نکهدارد و در خانه خصم دقن  
 کند زبان خصمان بسته کرد بفرمان خدایتعالی دیگر بنویس  
 بر باره کاغذ بجهت عقد اللسان بر سر اعداد اسامی این اعداد  
 را اضافه کن ۴۹۹ بر کمر گاه بندد زبان انکی بسته کرد  
 بفرمان خدایتعالی ایضا دیگر بتان باره کاغذ مهر زده روز  
 شنبه ساعت زحل و بر سر اعداد اسامی این اعداد را اضافه  
 کن ۲۵۹ باید که ماه در سنبله باشد و بمشتری ناظر بنویسد  
 و در یعنی دال و کوکل خوردنی در سواخ موش دفن کند تا عجایب  
 صنع خدایتعالی را مشاهده کنی که خصم چه گونه خلف کرد و ایضا  
 دیگر بتان ورق آهو بر روز پنجشنبه یا چهارشنبه یا ادینه یا یکشنبه  
 ساعت عطارد چون قمر در ثور یا اسد باشد و قمر و مشتری  
 و یازهره ناظر بنظر سعد باشد بنویس و بر سر اعداد اسامی  
 این عدد را اضافه کن ۱۲۰۱۰ و با خود نکهدارد یا به بیت  
 خصم زبانش بسته کرد بکرم خدایتعالی

فصل سیوم در عقد النوم روز دوشنبه و کاغذ پاک باید  
 که ماه در سنبله باشد بمشتری ناظر بنویس بعد از رادر

فصل  
 سیم  
 عقد النوم

در رال و کوکل بگیرد و بر سر اعداد اسامی این اعداد را اضافه  
 کن ۲۶۰۰ بعد در سوراخ موش دفن کن خواب مطلوب  
 بسته کرد ایضا دیگر بستن باره کاغذ مهره زده بر سر اعداد  
 اسامی این اعداد را اضافه کن ۲۶۰۰ در روز دینیه ع  
 عطارد بعد بنویسد در زمان کتابت بگوید بستم خواب فلان  
 بن فلان بعشق و محبت فلان بن فلان بعد از آن سخن نگوید و  
 نوشته را زیر بالین نهاد و مجزاید خواب انکس بسته کرد

فصل  
 چهارم  
 عقد ارباب

فصل چهارم در عقد الرجال چون خواهی که یکی را به بندی  
 بنویسی این لوح را بنام بر چهار کس و بر سر اعداد اسامی این  
 اعداد را اضافه کن ۱۹۰۸ در وقت کتابت بگوید بستم السنه  
 فلان بن فلان برفج فلان بن فلان بحق هذا الاسماء الاعظم  
 بعد از آن به زندانی به نهاد بفرمان الله تعالی الت انکس  
 بسته کرد دیگر بستن ورق آهو یا سوسمار روز چهارشنبه  
 باید که در خانه خالی باشد و بر سر اعداد او را اضافه کن  
۳۰۰۰ در آن حالت مقل ازرق بخور کند و نوشته را  
 زیر استانه خانه انکس بنهان کند و اسم مذکور چنانکه در

۱۱۸ فصل پنجم عقد النظر

دیگر افت درج کند و نام او بر زبان راند بمقصود برسد  
 مجرب است دیگر ساعت عطار در بتان ورق آهود در  
 روز سه شنبه بر سر اعداد اسامی این اعداد را اضافه کن  
 ۱۴۰ و بر سر نند تلوار سر بند مجرب است دیگر بتان ورق  
 آهود در شب یکشنبه ساعت عطار بر سر اعداد اسامی را  
 این اعداد را اضافه کن ۱۱۰ عم بعد از بنویس و در قبر و  
 یا در موم بگیر که کار نافر موده باشد و مقل ازرق و فلفل سیاه  
 بخور کند و در چاه اندازد است انکس بسته کرد مجرب است  
 دیگر بتان پاره کاغذ و بر سر اعداد اسامی این اعداد را  
 اضافه کن ۶۰۰ و به اب شسته بخوراند است انکس بسته کرد  
 دیگر بتان ورق آهود در روز سه شنبه در ساعت عطار  
 بر سر اعداد اسامی این اعداد را اضافه کن ۵۵۰ بعد آن  
 بنویس در زیر خاک دفن کن مجرب است

فصل پنجم در عقد النظر اگر خواهی که نظر کسی به بینی  
 که غیر از تو کسی را نخواهد به بیدد نظر عطار در و نظر با عتدین  
 مسعود نکهد ارد ساعتیکه این عمل مناسب است بتان پاره

فصل  
 پنجم  
 در عقد النظر

## فصل ششم عقد الطریق ۱۱۹

کاغذ و بر سر اعداد این اسامی و این اعداد را اضافه کن  
 ۱۵۰۹ و بقولی دیگر این اعداد را ۲۰۳ بطریق مذکور  
 بنویس بروز سه شنبه در موم نا کار فرموده بگیرد در آب  
 اری که از حمام بیرون میرود دفن کن و در آن حالت بکوی  
 بستم نظر فلان بن فلان بر فلان بن فلان مجنون بسته کرد  
 و دیگر بستان پوست خرد در روز چهارشنبه ساعت عطار  
 نامهار و حساب کرده بران این اعداد را اضافه کن ۵۶۹۰  
 بعده بنویسد و در استانه دفن و یاد رک رکاه او نظر خود  
 بغیر تو همه کس مستورارد دیگر بنویس به پوست کرک در  
 روز دوشنبه و بر سر اعداد اسامی این اعداد را اضافه کن  
 ۲۰۳ در اینکه از کر ماه به بیرون میرود دفن کن یاد ر  
 هگذرش بسیار محرب و از موده شک ندارد دیگر بنویس  
 در شب یکشنبه ساعت عطار و بر سر اعداد اسامی این  
 اعداد را اضافه کن ۱۱۵۰ در ششم ماهی تازینه و در  
 کورستان جهودان دفن کن محرب است

فصل  
 ششم  
 در عقد الطریق

فصل ششم در عقد الطریق اگر خواهی که کسی را از

## ۱۲۰ فصل هفتم فتح الرجال

از راه رفتن بازداری بنویس این مربع دارد روز سه شنبه  
 بر پوست گفتار و بر سر اعداد و اسامی این اعداد را اضافه  
 کن  $115$  و در کورستان جهوزان دفن کن و روزیکه این  
 کار را کشاید شنبه یا سه شنبه یا شب و یا روز باشد بنویس  
 دیگر بنویس بر کاغذ در روز یکشنبه بر سر اعداد اسامی و این  
 اعداد را اضافه کن  $355$  و در زیر سنگ کران بدانگی  
 را سفر هیچ وجه نشود مجرب است دیگر بیارد پوست آهو  
 در شب یکشنبه بر سر اعداد اسامی این اعداد را اضافه کن  
 $9555$  بنویس بوقت کتابت عود و صندل و سندروس  
 و مقل ازرق بخور کند و پاره رضدانی گرفته چون نوشته را  
 در موم و قدری عنبر و مقل ازرق گرفته باند مذکور به سجده  
 بعد از در کر بایس شنبه زیر سنگ نهد در جاه اندازد در جاه که  
 آب از آنجا بکشند دیگر اگر خواهی که یکی را به بندی که دیگری  
 را نتواند دید که نامها را حساب بجد بران این اعداد را اضافه  
 کن  $455$  بنویس نوشته را در صد هر مذکور نگاه دار  
 فصل هفتم در فتح الرجال بستان پاره کاغذ در روز

فصل  
 هفتم  
 فتح الرجال